

اقتصاد رانتهی و ابزاری سازی شبکه‌ای: تحلیل عاملیت غیرانسانی در تحول سرشت مکان در حریم حرم رضوی

جواد رمضان نژاد^۱؛ دکتر مهدی حمزه نژاد^۲؛ دکتر اصغر محمد مرادی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه معماری دانشگاه علم و صنعت ایران
۲. استادیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
۳. استاد گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

اقتصاد سرمایه‌داری رانتهی در شهرهای مذهبی مانند مشهد، با بهره‌برداری از جریان‌های زیارتی و منابع انحصاری بدون خلق ارزش تولیدی، ساختارهای شهری و سرشت مکان را دگرگون می‌سازد و هویت مکان‌های زیسته را به کالای سودآور تبدیل می‌کند. چهارچوب نظری ANT و OOO کاربست مناسبی برای بررسی این موضوع است، اما با وجود رشد مطالعات، نظریه ANT و OOO، شکاف قابل توجهی در تطبیق آن با اقتصاد سیاسی شهری وجود دارد. علی‌رغم بررسی جنبه‌های متعدد، به نظر می‌رسد هنوز نقش کنشگران غیرانسانی در رانتهی جویی مکان‌های مذهبی مغفول مانده است. این پژوهش به بررسی مکانیسم‌های دگرگونی سرشت مکان در حریم حرم رضوی می‌پردازد و هدف آن پاسخ به این پرسش است: «چگونه اقتصاد رانتهی از طریق میانجی‌گری فرم مصنوع، سرشت مکان را دگرگون می‌کند و کنشگران غیرانسانی چه نقشی در این فرایند ایفا می‌کنند؟» روش‌شناسی پژوهش مبتنی بر پارادایم تفسیری - انتقادی با گرایش پسانسان‌گرا است و تلاش دارد با رویکرد کیفی و تکنیک بریکولاژ، تحلیل گفتمان و گفتمان انتقادی را تلفیق کند. داده‌ها از بررسی اسناد و مصاحبه‌های عمیق با ۱۲ مشارکت‌کننده گردآوری و از طریق کدگذاری سه‌مرحله‌ای گراندد تئوری و با تکنیک بریکولاژ تلفیق و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد شبکه کنشگران شامل ۴۰ کنشگر است که کنشگران غیرانسانی نقش غالب دارند. مقوله محوری «ابزاری‌سازی شبکه‌ای فضا برای حذف مقاومت‌ها» شناسایی شد که در آن نیروهای محرک بر مقاومت‌های محلی غلبه دارند. مشارکت نظری این پژوهش نشان می‌دهد فرم مصنوع به عنوان میانجی منفعل عمل نمی‌کند، بلکه کنشگر دوگانه‌ای است که در تولید رانتهی مشارکت دارد و در برابر آن مقاومت می‌کند، در حالی که کنشگران اقتصادی غیرانسانی بر شبکه مسلط‌اند و ظرفیت پس‌نشینی اشیا محدود می‌ماند.



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Ramazannejad J. Hamzenejad M. Mohammadmoradi A. Rentier economy and network instrumentalization: An analysis of non-human agency in the transformation of place character within the Razavi Shrine precinct. *Urban Economics and Planning* 7(5):64-80.

DOI: [10.22034/uep.2025.553456.1745](https://doi.org/10.22034/uep.2025.553456.1745)

* نویسنده مسئول: hamzenejad@iust.ac

کلمات کلیدی

ابزاری‌سازی شبکه‌ای
اقتصاد رانتهی
حریم حرم رضوی
سرشت مکان
فرم مصنوع
عاملیت غیرانسانی

۱. مقدمه

اقتصاد سرمایه‌داری رانتی یکی از چالش‌های اساسی شهرهای معاصر محسوب می‌شود (Harvey, 2020). این پدیده که مبتنی بر کسب درآمد انحصاری از مالکیت منابع بدون خلق ارزش تولیدی است، ساختارهای شهری و سرشت مکان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Christophers, 2020). در شهرهای مذهبی مانند مشهد که محور گردشگری زیارتی هستند، این تأثیرگذاری پیچیدگی و عمق خاصی می‌یابد و شبکه‌های از روابط میان بازیگران مختلف را شکل می‌دهد (Bostan et al., 2023).

مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر ایران و یکی از مقاصد مهم زیارتی جهان شیعه، زمینه تجربی منحصربه‌فردی برای بررسی تقاطع اقتصاد رانتی و سرشت مکان فراهم می‌آورد. حضور حرم مطهر رضوی و جریان سالانه میلیون‌ها زائر، این شهر را به کانون اقتصاد زیارت‌محور تبدیل کرده است (Jamshidi et al., 2019). در دهه‌های اخیر، فرایندهای شتابان توسعه شهری در حریم حرم، تحولات عمیقی در بافت تاریخی و ساختار فضایی این محدوده ایجاد کرده است (Darbani et al., 2023; Harim-e Razavi Plan, 2020). مطالعات موجود نشان می‌دهند قیمت زمین در محدوده مجاور حرم افزایش چشمگیری یافته (Moshfeqi et al., 2020) بافت مسکونی سنتی به سرعت در حال تخلیه و تخریب است و مجتمع‌های تجاری - اقامتی، هتل‌های زنجیره‌ای و مراکز خرید مدرن به سرعت در حال جایگزینی فضاهای سکونتی و فرهنگی سنتی هستند (Bostan et al., 2025; Maroufi et al., 2023). مسئله (اهمیت کاربردی) قابل تأمل تحقیق این است که این تحولات کالبدی همراه با تغییرات در ترکیب جمعیتی، الگوهای مالکیت و ساختار اقتصادی منطقه، نشان‌دهنده تأثیرات عمیق اقتصاد رانتی بر ابعاد کالبدی، معنوی، فرهنگی و اجتماعی این مکان مقدس است. با این حال، مکانیسم دقیقی که از طریق آن اقتصاد رانتی در تعامل با عناصر مقدس، فرهنگی و مادی؛ سرشت مکان را در این شهر مذهبی بازسازی می‌کند، هنوز به طور جامع مورد بررسی قرار نگرفته است.

مطالعات نظریه شبکه - کنشگر (Actor-Network Theory) و هستی‌شناسی شیء‌گرا (Object-Oriented Ontology) در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند، اما عمدتاً بر مسائل اکولوژیکی (Ginn, 2022; Hinchliffe et al., 2016)، فناوری‌های شهری هوشمند (Hashem et al., 2023) و مجموعه‌های شهری متمرکز بوده‌اند. این رویکردها با تأکید بر عاملیت متقارن^۱ و شبکه‌های ناهمگون، چهارچوب‌های نوینی برای درک پیچیدگی‌های شهری فراهم آورده‌اند (Farías & Bender, 2012). با این حال، شکاف تحقیقی (اهمیت علمی) قابل توجهی در کاربرد ANT و OOO برای تحلیل مسائل اقتصاد سیاسی شهری، به‌ویژه اقتصاد رانتی و فرایندهای مالی‌سازی، وجود دارد. مطالعات موجود کمتر به بررسی نقش کنشگران انسانی و غیرانسانی در شکل‌گیری شبکه‌های رانتی و تأثیر آن‌ها بر دگرگونی سرشت مکان‌ها پرداخته‌اند. این شکاف در بستر شهرهای مذهبی که دارای لایه‌های پیچیده‌ای از عناصر مقدس، فرهنگی و اقتصادی هستند، برجسته‌تر می‌شود و نیازمند چهارچوب نظری جامع‌تری است که بتواند، دینامیک شبکه‌ای روابط (ANT) و نقش مستقل آبه‌های غیر انسانی (OOO) را در تولید و بازتولید اقتصاد رانتی تبیین کند.

این پژوهش با تمرکز بر حریم حرم رضوی مشهد، به تبیین مکانیسم‌هایی می‌پردازد که اقتصاد سرمایه‌داری رانتی از طریق

آن‌ها، سرشت مکان را دگرگون می‌سازد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است: «چگونه اقتصاد رانتی از طریق میانجی‌گری فرم مصنوعی، سرشت مکان را دگرگون می‌کند و کنشگران غیرانسانی چه نقشی در این فرایند ایفا می‌کنند؟» هدف تحقیق، کشف و تحلیل شبکه‌های کنشگری است که در آن‌ها عوامل انسانی (سرمایه‌گذاران، مدیران شهری، زائران و ساکنان) و غیرانسانی (بناهای تاریخی، سازه‌های مدرن، زمین، سرمایه مالی و عناصر مقدس) در تعامل با یکدیگر، فرایندهای رانتی را شکل می‌دهند و سرشت مکان را بازتولید می‌کنند.

این مطالعه از ترکیب دو رویکرد نظری: نظریه شبکه - کنشگر (ANT) و هستی‌شناسی شیء‌گرا (OOO) بهره می‌گیرد و با تأکید بر عاملیت متقارن و ردیابی روابط میان کنشگران انسانی و غیرانسانی امکان تبیین مکانیسم‌های پیچیده‌ای را فراهم می‌آورد که اقتصاد رانتی از طریق آن‌ها عمل می‌کند (Callon, 1986; Latour, 2005; Law, 2002). این رویکرد به‌ویژه در کشف نقش کنشگران مادی (زمین، بناها، قوانین و...) در شکل‌گیری شبکه‌های رانتی، کارآمد است، با این حال، استفاده از هستی‌شناسی شیء‌گرا نیز ضروری است (Farías & Bender, 2012; Kärholm, 2013; McFarlane, 2011). زیرا در اقتصاد رانتی شهرهای مذهبی، کنشگران غیرانسانی (زمین، بناهای تاریخی، عناصر مقدس) نه فقط بسترهای منفعل، بلکه عوامل فعال در تولید رانت و بازتعریف سرشت مکان هستند. رویکردهای تفسیرگرایانه سنتی که بر معانی انسان‌محور متمرکزند، قادر به تبیین نقش مستقل این کنشگران در مکانیسم‌های رانتی نیستند (Latour, 2005) هستی‌شناسی شیء‌گرا با رد سلسله‌مراتب انسان‌محور و تأکید بر استقلال هستی‌شناختی اشیا (Bryant et al., 2018; Harman, 2011)، امکان درک عمیق‌تری از نقش عناصر غیرانسانی در دگرگونی مکان را فراهم می‌کند (Kärholm, 2014; موسوی خورشیدی, 2023). بنابراین، ترکیب نظریه کنشگر - شبکه (برای ردیابی دینامیک شبکه‌های روابط) و هستی‌شناسی شیء‌گرا (برای درک استقلال کنشگری اشیا) امکان تبیین جامع‌تری فراهم می‌آورد که دینامیک روابط و ظرفیت‌های مستقل کنشگران را دربرمی‌گیرد. این پژوهش از نوع مطالعه نظری - کاربردی است که با تطبیق ترکیبی نظریه کنشگر - شبکه و هستی‌شناسی شیء‌گرا بر مورد تجربی حریم حرم امام رضا^۲، به تولید چهارچوب تحلیلی نوینی برای فهم تقاطع اقتصاد رانتی و سرشت مکان در شهرهای مذهبی می‌پردازد.

۲. مروری بر پیشینه پژوهش

مطالعات اقتصاد رانتی بر تأثیرات این نظام بر ساختارهای فضایی و اجتماعی شهرها متمرکز شده‌اند. مفهوم رانت از نظریه کلاسیک ریکاردو (۱۹۹۵) آغاز شده و توسط هاروی (۱۹۷۴) با معرفی «رانت انحصاری» و در آثار معاصرش به نقد جامع‌تری تبدیل شد (Harvey, 2020). در مطالعات جدید کریستوفر (۲۰۱۹، ۲۰۲۰) و اریک و همکاران (۲۰۲۵) چهار مؤلفه اصلی سرمایه‌داری رانتی را شناسایی کردند: مالکیت و کنترل منابع کیمیا، کنترل انحصاری دسترسی‌ها، کسب سود بدون تولید ارزش افزوده و تشکیل شبکه‌های قدرت برای حفظ امتیازها که در آن انباشت ثروت از طریق مالکیت دارایی‌ها به جای کار تولیدی صورت می‌گیرد. استندینگ (۲۰۲۱) تأکید کرد این نظام ساختارهای فضایی شهرها، قدرت نیروی کار و حکمرانی دموکراتیک را تضعیف می‌کند. سایتو و ساساکی (۲۰۲۵)

با بازخوانی نظریه رانت زمین مارکس، سرمایه‌داری رانتی را پیشرفته‌ترین و متناقض‌ترین شکل سرمایه‌داری معاصر دانستند که فضاهای عمومی را تخریب و همبستگی طبقه کارگر را تضعیف می‌کند و با تشدید بحران انباشت سرمایه، تهدید چرخش به تکنوفاشیسم قریب‌الوقوع می‌شود. دانروتر و لانگورثی (۲۰۲۵) مفهوم رانت شهروندی را معرفی کردند که نشان می‌دهد جنسیت چگونه در بازتولید ویژگی‌های دارایی و ساختارهای پدرسالارانه در اقتصادهای رانتی نقش مرکزی دارد. در ایران، مطالعات سعیدی فرد و همکاران (۲۰۲۰) و نجاتی و همکاران (۲۰۲۳) تأثیرات عمیق اقتصاد رانتی بر سازمان فضایی شهرها را نشان داده‌اند.

در شهرهای مذهبی، سرشت مکان (Esense of place) با ریشه پدیدارشناختی (Norberg-Schulz, 2021; Relph, 2010) پیچیدگی خاصی می‌یابد (Burchardt et al., 2023) و مطالعات بوستان و همکاران (۲۰۲۳) و جمشیدی و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند منطق بازار و اقتصاد رانتی، تجربه معنوی و توزیع فضایی خدمات را دگرگون می‌کند. با این حال، این مطالعات عمدتاً بر تجربه انسانی متمرکز بوده و نقش کنشگران غیرانسانی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند.

نظریه کنشگر - شبکه (ANT) و هستی‌شناسی شیء‌گرا (OOO) دو رویکرد فکری هستند که به ما کمک می‌کنند اشیا را به عنوان عناصر مستقل و فعال مطالعه کنیم. این نظریه‌ها به انسان جایگاه برتر نمی‌دهند و معتقدند که هر شیء دارای هویت و ماهیت خاص خودش است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا به چیزهای دیگر کاهش داد. علی‌رغم پیشرفت‌های قابل توجه در هر دو حوزه (اقتصاد رانتی و سرشت مکان)، شکاف مهمی در درک نقش کنشگران غیرانسانی (بناها، زیرساخت‌ها، عناصر مادی) در فرایندهای اقتصاد رانتی و تأثیر آن بر سرشت مکان وجود دارد. مطالعات (ANT) در مطالعات شهری مک فارلین (۲۰۱۱) و فاریاس و بندر (۲۰۱۲) بر عاملیت توزیع‌شده تأکید کرده‌اند، اما کاربرد آن در تحلیل اقتصاد رانتی محدود بوده است. همچنین، مطالعات OOO در معماری (Kärholm, 2013, 2014) بر استقلال هستی‌شناختی اشیا تمرکز دارند، اما ارتباط آن با اقتصاد سیاسی شهری کمتر بررسی شده است.

این مطالعه به این شکاف می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه فرم مصنوع (Built form) به عنوان میانجی، بستری منفعل میان اقتصاد رانتی و سرشت مکان نیست، بلکه کنشگر فعالی است که در تولید رانت مشارکت دارد و در برابر آن مقاومت می‌کند.

۳. چهارچوب مفهومی

این بخش بر اساس چهارچوب نظری اقتصاد رانتی، فرم مصنوع و سرشت مکان، چهارچوب مفهومی سه‌جزئی را ارائه می‌دهد که ارتباط میان اقتصاد رانتی، فرم مصنوع و سرشت مکان را تبیین می‌کند.

۱.۳. اقتصاد سرمایه‌داری رانتی، محرک دگرگونی

اقتصاد رانتی در این مطالعه به عنوان محرک اصلی دگرگونی‌های فضایی درک می‌شود. بر اساس نظریات موجود، سه مکانیسم اصلی در اقتصاد رانتی شهری عمل می‌کنند:

- انحصار دسترسی: کنترل انحصاری بر منابع کمیاب، به‌ویژه زمین در موقعیت‌های استراتژیک (Harvey, 1974)

- کسب سود بدون تولید: درآمدزایی از مالکیت منابع بدون خلق ارزش افزوده واقعی (Standing, 2021)

- شبکه‌سازی قدرت: تشکیل ائتلاف‌های قدرت میان بازیگران مختلف برای حفظ و توسعه امتیازهای رانتی (Christophers, 2020) در شهرهای مذهبی، این مکانیسم‌ها با قداست مکان تلاقی می‌کنند و رانت انحصاری خاصی تولید می‌کنند که هاروی آن را «رانت انحصاری طبقاتی» نامیده است (Harvey, 1974). این نوع رانت از ویژگی‌های منحصره‌فرد فرهنگی و معنوی مکان ناشی می‌شود که می‌توان آن را به «رانت مقدس» (Sacred Rent) تعبیر کرد.

۲.۳. فرم مصنوع، میانجی فعال

فرم مصنوع در این مطالعه به عنوان میانجی فعال در تعامل میان اقتصاد رانتی و سرشت مکان مفهوم‌سازی می‌شود. بر اساس نظریه شبکه - کنشگر (Latour, 2005) عناصر مادی شهر: ساختمان‌ها، قطعات زمین و زیرساخت‌ها دارای عاملیت هستند و در این فرایند نقش میانجی‌گری ایفا می‌کنند. سه نقش اساسی فرم مصنوع شامل:

- شبکه‌سازی: جذب و اتصال کنشگران مختلف (سرمایه‌گذاران، مدیران، ساکنان، زائران) از طریق ظرفیت‌های مادی خود.

- ترجمه: تبدیل ارزش‌های فرهنگی و مذهبی به فرصت‌های اقتصادی و به‌عکس، فرایندی که لاتور (Latour, 2005) آن را «ترجمه» می‌نامد.

- مقاومت: حفظ ظرفیت‌های مادی (پس‌نشسته) که در برابر منطق رانتی مقاومت می‌کنند.

بر اساس چهارچوب نظری کروپف (۲۰۱۴)، فرم مصنوع در سه مقیاس تحلیل می‌شود: بلوک (الگوی دسترسی، ترکیب کاربری‌ها)، قطعه (تقسیم‌بندی، تراکم، کاربری، و ساختمان (ارتفاع، عملکرد، معماری) که در هر مقیاس، عاملیت میان کنشگران مختلف توزیع می‌شود.

۳.۳. سرشت مکان، پیامد تعاملات شبکه‌ای

سرشت مکان در این چهارچوب نظری، پیامد تعاملات پیچیده میان اقتصاد رانتی، فرم مصنوع و تجربه زیسته است. این مفهوم فراتر از رویکردهای پدیدارشناختی سنتی (Norberg-Schulz, 2021; Relph, 2010) تعریف می‌شود و شامل دو بعد است:

- بعد تجربی: تجربه زیسته انسانی از مکان که شامل حس تعلق، هویت مکانی، و معنای فضایی است (Lewicka, 2011)

- بعد مادی: ویژگی‌های فیزیکی و ظرفیت‌های مادی که در شکل‌گیری تجربه نقش دارند (Carmona, 2019)

بر اساس نظریه کنشگر - شبکه، سرشت مکان از طریق فرایندهای شبکه‌سازی و ترجمه شکل می‌گیرد (Latour, 2005). در این فرایند، برخی ساختارها به شکل «جعبه‌های سیاه» درآمد و فرایندهای پیچیده قدرت را پنهان می‌کنند، چیزی که این مطالعه با استفاده از «جعبه‌سیاه‌زدایی» به آشکار کردن آن می‌پردازد. شکل ۱ چهارچوب مفهومی حاصل از ترکیب چهارچوب‌های نظری عنوان شده در تحقیق را نشان می‌دهد.

۴.۳. رویکرد تحلیلی، تکمیل متقابل وظیفه‌های ANT و OOO

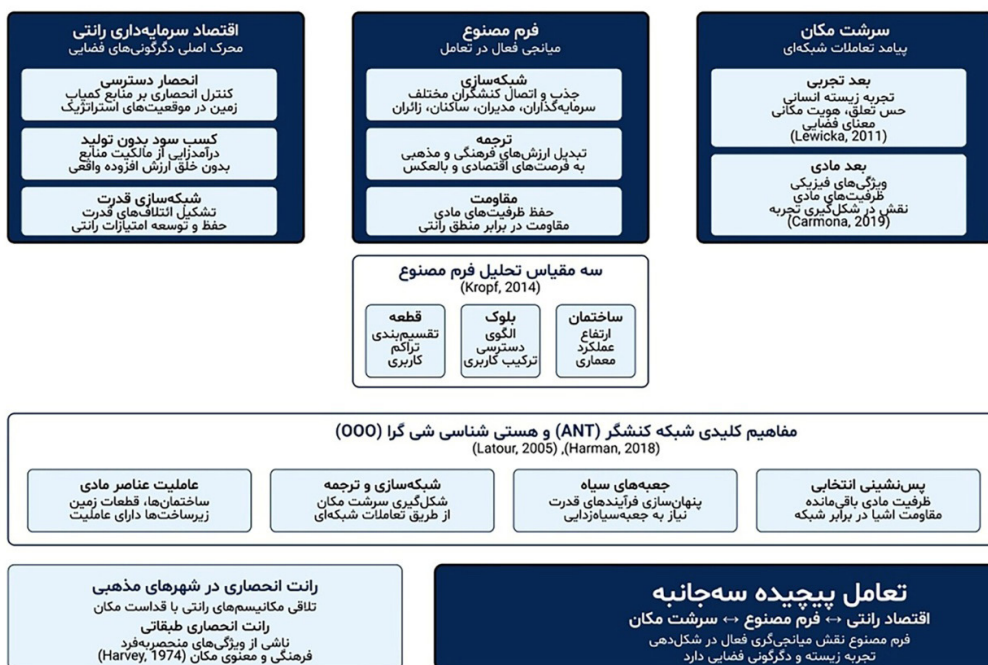
کاربست نظری شبکه کنشگر (ANT)

نظریه شبکه - کنشگر (ANT) برای تحلیل شبکه‌های قدرت و فرایندهای اقتصاد رانته به کار می‌رود (Latour, 2005). نظریه شبکه - کنشگر با مفاهیم کلیدی خود: شبکه‌سازی، ترجمه و جعبه‌سیاه‌زدایی (Latour, 2007) امکان ردیابی چگونگی توزیع عاملیت میان کنشگران انسانی (سرمایه‌گذاران، مدیران شهری، ساکنان) و غیرانسانی (بناها، زمین، زیرساخت‌ها) را فراهم می‌آورد. این رویکرد به‌ویژه در شناسایی مکانیسم‌های شکل‌گیری شبکه‌های رانته کارآمد است (Fariás & Bender, 2012).

کاربست نظری هستی‌شناسی شیء‌گرا (OOO)

هستی‌شناسی شیء‌گرا برای درک ظرفیت‌های مقاومت ذاتی اشیا استفاده می‌شود (Harman, 2018). مفهوم کلیدی هستی‌شناسی شیء‌گرا در این مطالعه، پس‌نشینی انتخابی (ظرفیت مادی

باقی‌مانده) است که از «پس‌نشینی» (withdrawal) اشیای هارمن اقتباس می‌شود. هارمن (Harman, 2018) استدلال می‌کند که اشیا هرگز به طور کامل در روابط خود آشکار نمی‌شوند و بخشی از ذات آن‌ها همیشه از دسترس دور می‌ماند که همان «پس‌نشینی» اشیا است. این تحقیق «پس‌نشینی انتخابی (ظرفیت مادی باقی‌مانده)» را به عنوان خواص مادی قابل مشاهده، اما مقاوم در برابر ابزاری‌سازی تعریف می‌کند. بر اساس روایت‌های مشارکت‌کنندگان (اصالت تاریخی، دوام، ارزش فرهنگی) و شواهد فیزیکی (معماری، فضاها)، این ظرفیت‌ها شناسایی می‌شوند. در کدگذاری، ذات شناسایی‌نشده اشیا به پیامدهای مقاوم مادی کدگذاری می‌شود، مانند لحظاتی که بناها در برابر توسعه‌دهندگان مقاومت کرده و ارزش‌های تاریخی را حفظ می‌کنند.



شکل ۱. چهارچوب مفهومی تحقیق

حل تنش با تقسیم وظیفه، نه تلفیق هستی‌شناسانه

تنش اساسی بین ANT و OOO در ماهیت هستی‌شناختی آن‌ها نهفته است. نظریه کنشگر - شبکه بر «هستی‌شناسی رابطه‌ای» استوار است که اشیا را محصول روابط می‌داند (Latour, 2005). در حالی که هستی‌شناسی شیء‌گرا بر «واقع‌گرایی شیء» تأکید دارد و استقلال ذاتی اشیا را تأیید می‌کند (Harman, 2018). راه‌حل مورد نظر تحقیق این است که به جای تلاش برای حل این تنش، در اینجا رویکرد تکمیل متقابل وظیفه‌های اتخاذ می‌شود؛ به این شکل که نظریه کنشگر - شبکه برای تحلیل «شبکه‌های قدرت» و فرایندهای «ترجمه» به کار می‌رود، در حالی که هستی‌شناسی شیء‌گرا برای شناسایی مقاومت‌های ذاتی و ظرفیت‌های «پس‌نشینی» اشیا استفاده خواهد شد.

پذیرش تنش سازنده به جای ادعای حل این تنش رویکرد این

تحقیق است که آن را به عنوان راه‌حل سازنده‌ای می‌پذیرد و امکان تحلیل چندبعدی را فراهم می‌آورد، همان‌طور که کارهولم با مفهوم رویکرد فرآیندی (Modalisation) این مشکل را در تحقیق خود حل می‌کند (Kärholm, 2014). بر این اساس در موقعیت‌های مختلف، یکی از دو نظریه اولویت تحلیلی دارد، بدون آنکه بنیان‌های هستی‌شناختی آن‌ها در هم آمیخته شود. همان‌طور که کارهولم (۲۰۱۳) در تلاش برای حل این تنش با مفهوم «توپولوژی رادیکال» (Radical (ANT) topology) نشان داد و در مقاله بعدی خود (Kärholm, 2014) رویکرد «میان‌شیئیت» (Interobjectivity) را ارائه داد که بر تنوع مدالیته‌های روابط بین اشیا و نه تلفیق هستی‌شناسانه تأکید می‌کند، این مطالعه از همین منطق پیروی می‌کند.

جدول ۱. چهارچوب نظری: تلفیق ANT و OOO در تحلیل اقتصاد رانتي

منبع	کاربرد در تحلیل سرشت مکان	تعریف کاربردی	مفهوم نظری
(Latour, 2005b)	تحلیل چگونگی پیوند عناصر مکان	اتصال کنشگران مختلف در شبکه واحد	شبکه‌سازی
(Latour, 2005a)	بررسی تبدیل ارزش‌های فرهنگی به اقتصادی	هماهنگ‌سازی علایق متفاوت کنشگران	ترجمه
(Latour, 2005b)	شناسایی ساختارهای پنهان رانتي	آشکار کردن فرایندهای پنهان قدرت	جعبه‌سیاه‌زدایی
(Harman, 2018)	مقایسه مکان زیسته با کالای بازار	تفاوت مکان واقعی و نمایش آن	اشیا واقعی/حسی
(Harman, 2018)	شناسایی مقاومت‌های ذاتی مکان	جنبه‌های غیرقابل کنترل اشیا	پس‌نشینی
(Kärholm, 2013)	تحلیل تولید انواع جدید مکان	انواع فضایی متحول و سیال	territorial sorts
(Ansari, 2013)	درک allure و style مکان‌ها	زیبایی‌شناسی غیر سلسله‌مراتبی	flat aesthetics
(Kärholm, 2014)	تحلیل چندبعدی تعاملات فضایی	روابط بین اشیا در سه شکل مختلف	interobjectivity
(Kärholm, 2014)	بررسی کارکردهای مشابه مکان برای گروه‌های متنوع	اثرات مشترک اشیا بر فرهنگ‌های مختلف	cross-road effects
(Kärholm, 2014)	تحلیل ترکیب انسان‌ها، اشیا و فضاها	پیوند ناهمگونی‌های مادی در شبکه	stitching
(Kärholm, 2014)	شناسایی پتانسیل‌های نهفته و تحول‌پذیری مکان	کیفیات مخفی اشیا که کاملاً قابل شناخت نیستند	radiance
(Kärholm, 2014)	تحلیل جمود و اینرسی در تحولات مکان	مقاومت ناشی از ساختارهای مستقر	facticity
(Kärholm, 2014)	استفاده هم‌زمان از رویکردهای مختلف بدون تلفیق اجباری	رویکرد فرانظری برای تنوع رویکردها	modalisation

۲۰۲۳) انجام شد که امکان پرسش از چگونگی شکل‌گیری فضا از طریق شبکه‌های ناهمگن قدرت، مادیت و گفتمان را فراهم می‌آورد. رویکرد کلی پژوهش کیفی است و برای تحلیل این شبکه پیچیده از تکنیک بریکولاژ به عنوان فراروش‌شناسی (meta-methodology) استفاده شد (Kincheloe, 2005). این تکنیک امکان تحلیل روابط قدرت، معنا و تعاملات مادی - غیرمادی را فراهم می‌آورد. استراتژی تحقیق در مطالعه موردی (Yin, 2018) به عنوان استراتژی اصلی تحقیق انتخاب شد. حریم حرم رضوی مشهد به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد (تقاطع اقتصاد رانتي، فضای مذهبی، و تحولات شهری) به عنوان مورد مطالعه در نظر گرفته شد. این انتخاب امکان بررسی عمیق شبکه‌های پیچیده کنشگران و مکانیسم‌های اقتصاد رانتي را فراهم می‌آورد.

۲.۴. روش گردآوری داده

برای گردآوری داده‌های کیفی از سه منبع استفاده شد: مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند: مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند امکان کاوش انعطاف‌پذیر در تجربه‌های زیسته را فراهم می‌کنند (Corbin & Strauss, 2014). نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای مشخص: تجربه مستقیم حداقل ۵ سال سکونت یا فعالیت در حریم رضوی، آگاهی از تحولات شهری و تمایل به مشارکت در مصاحبه ۴۵-۹۰ دقیقه‌ای، ترکیب نمونه (n=12) انجام شد.

۶ مصاحبه حضوری: ۳ مدیر شهری، ۳ متخصص (معماری، شهرسازی، اقتصاد)

۶ مصاحبه از اسناد صوتی/تصویری: متخصصان، مدیران سابق،

اقتصاد رانتي به عنوان محرک، از طریق میانجی‌گری فرم مصنوع، سرشت مکان را دگرگون می‌کند. در این فرایند، ANT برای تحلیل «شبکه‌های قدرت» و مکانیسم‌های «ترجمه» استفاده می‌شود، در حالی که «پس‌نشینی اشیا» در OOO برای شناسایی ظرفیت‌های مقاومت ذاتی اشیا به کار می‌رود. جدول ۱ جزئیات چهارچوب نظری حل تنش را نشان می‌دهد.

۴. روش‌شناسی

۴.۱. کلیات روش تحقیق

این پژوهش با پارادایم تفسیری - انتقادی با گرایش پسانسان‌گرا انجام شده است. در اینجا «انتقادی بودن» به معنای انتقاد از منظر انسانی نیست. رویکرد انتقادی پسانسان‌گرا امکان می‌دهد تا روابط قدرت در شبکه‌های انسانی - غیرانسانی افشا شود (Braidotti, 2019). بر اساس دنزین و لینکولن (۲۰۱۱) و محمدپور (۲۰۲۱) پسانسان‌گرایی از تمرکز صرف بر انسان فاصله می‌گیرد و به شبکه‌های پیچیده انسانی - غیرانسانی، زمینه‌های اجتماعی و بازنمایی‌های چندصدایی توجه دارد. این مطالعه بر اساس دیدگاه‌های (پرنو لاتور) و (گراهام هارمن) بر هستی‌شناسی مسطح (Flat ontology) استوار است که تقارن میان کنشگران انسانی و غیرانسانی را تأیید می‌کند (Harman, 2018; Latour, 2005). معرفت‌شناسی تحقیق عمل‌گرایانه و انتقادی است و بر معنای ساختارهای اجتماعی ناشی از تعاملات میان کنشگران و بسترهای اجتماعی - مادی شکل می‌گیرد. این رویکرد با فرض تفسیرگرایانه نظریه زمینه‌ای (Corbin & Strauss, 2014) همخوان است. تحلیل اسناد بر اساس چهارچوب سه‌سطحی مورد نظر فرکلاف (۲۰۰۳)،

طراحان، منتقدان، ساکنان محلی معیارهای تنوع: جنسیت (۸ درصد زن، ۹۲ درصد مرد)، سن (۲۸-۶۸ سال)، تحصیلات (دیپلم تا دکتری)، نقش‌های اجتماعی متنوع؛ تعداد نمونه‌ها بر اساس اشباع نظری تعیین شد (Charmaz, 2014).

تحلیل اسناد: اسناد شهری شامل طرح‌های جامع و تفصیلی، گزارش‌های رسمی، اسناد تاریخی، و مدارک اداری مرتبط با تحولات حریم حرم جمع‌آوری و تحلیل شدند.

مشاهدات محیطی: مشاهدات میدانی از تحولات کالبدی، الگوهای کاربری و تعاملات فضایی در حریم حرم انجام شد و در قالب یادداشت‌های میدانی و عکس‌برداری مستندسازی شد. تمام داده‌ها با رعایت اصول اخلاقی ضبط، رونویسی و سازمان‌دهی شدند.

۳.۴. فرایند تحلیل

تحلیل داده‌ها بر اساس تکنیک بریکولاژ (Kincheloe, 2001, 2005) با ترکیب دو روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی انجام شد. برای تحلیل گفتمان از روش سه‌مرحله‌ای کدگذاری: باز،

محوری و انتخابی مورد نظر اشتراوس - کوربین استفاده شد (Corbin & Strauss, 2014) و برای تحلیل گفتمان انتقادی از مدل سه‌سطحی فرکلاف (Fairclough, 2003, 2023) بهره‌برداری شد که در ادامه توضیحات لازم ارائه می‌شود.

کدگذاری نظریه‌زمینه‌ای نظام‌مند (تحلیل گفتمان)

بر اساس رویکرد نظریه‌زمینه‌ای نظام‌مند (Systematic Grounded Theory) اشتراوس - کوربین (Corbin & Strauss, 2014)، تحلیل مصاحبه‌ها در سه مرحله انجام شد.

کدگذاری باز (Open Coding)

کدگذاری باز با خوانش دقیق متن مصاحبه‌ها و استفاده از تکنیک تحلیل خطبه‌خط (Saldaña, 2021) آغاز و کدهای مستقیم از زبان مشارکت‌کنندگان استخراج شد. در فرایند شناسایی برای کشف واحدهای معنایی و اختصاص کدهای اولیه و به منظور حساس‌سازی، از مؤلفه‌های تحقیق مندرج در جدول ۲ استفاده شد.

جدول ۲. مؤلفه‌های تحقیق

مؤلفه	تعریف عملیاتی	شاخص‌های کلیدی
اقتصاد سرمایه‌داری رانته	کسب درآمد بدون تولید ارزش با انحصار منابع	سود/منفعت، مالکیت منابع، انحصار شبکه رانته
فرم مصنوع (مقیاس‌های کرویف)	عناصر کالبدی شهر در سه مقیاس	بلوک، قطعه، ساختمان
سرشت مکان رویکرد سیستماتیک	هویت مکان از منظر عاملیت توزیع‌شده	ساختار چهارگانه، جذابیت، ابزار بودن، شبکه‌سازی،

کدگذاری محوری (Axial Coding)

در این مرحله مفاهیم نظری ANT و OOO به عنوان راهنمای کلی برای دیدن و تفسیر داده‌ها استفاده شد و در ادامه با شناسایی خرده‌مقولات، دسته‌بندی آن‌ها انجام گرفت. شناسایی شبکه کنشگران و تعیین ابعاد مقوله محوری و توسعه مدل پارادایمی برای شناسایی عناصر پارادایمی در مراحل بعدی سبب تعیین مقوله محوری شد.

کدگذاری انتخابی (Selective Coding)

مرحله کدگذاری انتخابی با هدف نهایی توسعه نظریه جامع در سه مرحله: شکل‌گیری بریکولاژ سه‌گانه، انتخاب پدیده محوری و توسعه مدل پارادایمی انجام پذیرفت. بریکولاژ سه‌گانه با استفاده از تحلیل محتوای مفهومی خرده‌مقولات و با تفسیر محققان در سه حوزه: بریکولاژ سیاسی، روایی و تفسیری طبقه‌بندی شدند.

چهارچوب سه‌سطحی فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی)

تحلیل اسناد بر اساس چهارچوب سه‌سطحی (Fairclough, 2003, 2023) به شرح زیر انجام می‌شود:

سطح متنی: بررسی ویژگی‌های زبانی و بازنمایی کنشگران: چه واژگانی استفاده می‌شود؟ کنش‌ها چگونه بازنمایی می‌شوند؟ چه کسانی حضور/غیبت دارند؟ چگونه نام‌گذاری می‌شوند؟

سطح تعاملی: تحلیل فرایندهای تولید معنا و ترجمه: چه کسانی گفتمان را تولید می‌کنند؟ از چه کانال‌هایی منتشر می‌شود؟ چگونه دریافت و تفسیر می‌شود؟

سطح زمینه‌ای: اتصال به بسترهای اجتماعی و تحلیل روابط قدرت: گفتمان چه روابط قدرت را بازتولید می‌کند؟ چه ساختارهای ایدئولوژیک پنهان دارد؟ به نفع چه گروه‌هایی عمل می‌کند؟

در تطبیق مدل فرکلاف با پارادایم پسانسان‌گرا، «گفتمان» فراتر از متن زبانی تعریف شد که شامل گفتمان‌های مادی نیز می‌شود. این رویکرد امکان می‌دهد تا روابط قدرت را نه تنها در زبان، بلکه در مادیت و فضا نیز بررسی کنیم که با نظریه کنشگر - شبکه (Latour, 2005) هم‌خوان است.

یکپارچه‌سازی نتایج در قالب بریکولاژ

در این پژوهش از نظریه‌زمینه‌ای نظام‌مند برای کشف الگوهای کنش و تجربه زیسته از مصاحبه‌ها استفاده شد (Corbin & Strauss, 2014)، در حالی که تحلیل گفتمان انتقادی برای فهم ساختارهای قدرت در اسناد رسمی به کار رفت. رویکرد بریکولاژ (Kincheloe, 2005) امکان ترکیب (تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی) را با تکنیک بریکولاژ به شرح زیر فراهم کرد:

بریکولاژ نظری: تلفیق نظریه، رانت برای فهم اقتصاد سیاسی فضا، (ANT) برای ردیابی کنشگران و شبکه‌ها، (OOO) برای توجه به شیوه کنشگری اشیا که در مرحله کدگذاری باز و محوری انجام می‌شود و در مرحله کدگذاری انتخابی تکمیل خواهد شد.

بریکولاژ روش‌شناختی: ترکیب نظریه‌زمینه‌ای و تحلیل گفتمان که در مرحله کدگذاری انتخابی انجام می‌شود.

بریکولاژ تفسیری: تفسیرهای چندگانه از داده‌ها، با توجه به زمینه‌های: تاریخی، اقتصادی و فرهنگی که در مرحله کدگذاری انتخابی انجام می‌شود.

بریکولاژ سیاسی: تحلیل و آشکارسازی ساختارهای قدرت، منافع نهفته و پیامدهای فضایی - اجتماعی که در مرحله کدگذاری انتخابی انجام می‌شود.

این رویکرد با موقعیت فلسفی پسانسان‌گرایی سازگار است، زیرا به

تحلیل شبکه‌های پیچیده انسانی - غیرانسانی از طریق روش‌های متعدد می‌پردازد.

اعتبارسنجی بر اساس چهار معیار (Lincoln, 1985)

- باورپذیری: بررسی اعضا (Member checking) و تثلیث منابع (مصاحبه + اسناد + مشاهدات)
 - انتقال‌پذیری: توصیف جزئیات کافی از زمینه و فرایند
 - اتکاپذیری: مستندسازی دقیق مراحل تحقیق
 - تأییدپذیری: حفظ زنجیره شواهد و مسیر تصمیم‌گیری
- برای اعتبارسنجی متقابل (Triangulation)، یافته‌های دو روش در بخش بحث مقایسه شدند تا همگرایی یا واگرایی آن‌ها مشخص شود. تحلیل تارسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که در این مرحله توافق بین کدگذاران (۸۰ درصد) و در محدوده قابل قبول بود (Krippendorff, 2018). شکل ۲ فلوجارت روش‌شناسی تحقیق را نشان می‌دهد.
- توجیه علمی استفاده از مصاحبه برای کدگذاری عاملیت شبکه‌ای
- استفاده از مصاحبه برای کدگذاری عاملیت شبکه‌ای بر مبنای نظری

ANT و OOO استوار است و نه تنها مجاز، بلکه ضروری محسوب می‌شود. بر اساس اصل تقارن لاتور، تفکیک قاطع بین انسان و غیرانسان مصنوعی است و انسان‌ها به عنوان سخنگوی شبکه‌های ناهمگن، همواره در حال ترجمه و بازنمایی کنشگران غیرانسانی هستند. همچنین بر اساس نظریه هارمن، اشیا هرگز مستقیم قابل دسترسی نیستند و انسان‌ها اغلب به عنوان ترجمه‌کننده اصلی عمل می‌کنند، هرچند روش‌های مکمل مانند تحلیل اسناد نیز مفید هستند، ولی دسترسی به «کیفیت‌های حسی» اشیا توسط انسان‌ها فراهم می‌شود. نمونه‌های کدگذاری نشان می‌دهند مصاحبه‌شوندگان به طبع آمار (به عنوان مثال: ۲۰ میلیون زائر)، پروژه‌ها (به عنوان مثال: بزرگ‌ترین مداخله شهری)، و طرح‌ها را به عنوان کنشگران فعال معرفی می‌کنند. این رویکرد در مطالعات معتبری همچون: (Callon, 1986; Latour, 1996; Law, 2002) با موفقیت به کار رفته و چون مشاهده مستقیم شبکه‌های غیرانسان در مقیاس شهری غیرعملی است، مصاحبه تنها راه معتبر ردیابی این شبکه‌های پیچیده محسوب می‌شود.

پارادایم تحقیق

تفسیری - انتقادی با گرایش پساانسان‌گرا
هستی‌شناسی مسطح | معرفت‌شناسی عمل‌گرایانه و انتقادی | رویکرد کیفی
فرآیند‌شناسی: بریکولاز | استراتژی: مطالعه موردی (جریم حرم رضوی مشهد)
(Denzin & Lincoln, 2011; Harman, 2018; Latour, 2005; Kincheloe, 2005; Yin, 2018)

گردآوری داده‌ها (سه منبع)

نمونه‌گیری هدفمند بر اساس اشباع نظری | رعایت اصول اخلاقی

مشاهدات محیطی مشاهدات میدانی • تحولات کابردی • الگوهای کنشگران • تعاملات فضایی مستندسازی: یادداشت‌های میدانی + عکس‌برداری	تحلیل اسناد (Fairclough, 2003, 2023) اسناد شهری • طرح‌های جامع و تفصیلی • گزارش‌های رسمی • اسناد تاریخی • مدارک اداری مرتبط با تحولات حرم حرم	مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند (Corbin & Strauss, 2014) ترکیب نمونه (n=12) • ۶ مصاحبه حضوری: ۳ مدیر شهری + ۳ متخصص • ۶ مصاحبه از اسناد صوتی/تصویری معیارهای ورود: تجربه ۵ ساله، آشنایی با تحولات تنوع: جنسیت (۸۰٪ زن، ۲۰٪ مرد) سن (۵۵-۶۵)، تحصیلات (دبیر/دکتری) تنوع‌های اجتماعی متنوع
--	---	---

فرآیند تحلیل (راهبرد بریکولاز)

نظریه زمینه‌ای نظام‌مند (برای مصاحبه‌ها) (Corbin & Strauss, 2014) مرحله ۱: کدگذاری باز (Open Coding) • خوانش دقیق متن‌ها (تحلیل خطی) • استخراج کدهای مستقیم از زبان مشارکت‌کنندگان • شناسایی واحدهای معنایی • دسته‌بندی مقدماتی بر اساس مولفه‌های تحقیق: اقتصاد رانسی فرم مصنوع (مقیاس‌های گروهی) سرشت مکان مرحله ۲: کدگذاری محوری (Axial Coding) • طبقه‌بندی بر اساس ANT و OOO • شناسایی شبکه کنشگران و خرده‌فولت • توسعه مدل پارادایمی (شوریه، کنش، پیامد) مرحله ۳: کدگذاری انتخابی (Selective Coding) توسعه نظریه جامع ۱. شکل‌گیری بریکولاز سه‌گانه: • بریکولاز سیاسی (ساختارهای قدرت) • بریکولاز روحی (تفسیر محتوای فقهومی) • بریکولاز تفسیری (زمینه‌های تاریخی-اقتصادی-فرهنگی) ۲. انتخاب پدیده محوری ۳. توسعه مدل پارادایمی نهایی	تحلیل گفتار انتقادی (برای اسناد رسمی) (Fairclough, 2003, 2023) سطح ۱: متنی (Text) بررسی ویژگی‌های زبانی بازتابی کنشگران ساختارهای دستوری واژگان و اصطلاحات سطح ۲: تعاملی (Discourse Practice) فرآیندهای تولید معنا ترجمه و بازتولید گفتار تعامل بین متن و زمینه سطح ۳: زمینه‌ای (Social Practice) اتصال به بستریهای اجتماعی تحلیل رویکردهای قدرت اپدئولوژی و هژمونی پیامدهای فضایی-اجتماعی آشکارسازی منافع نهفته
---	--

یکپارچه‌سازی نتایج (بریکولاز چهارگانه)

بریکولاز نظری: تلفیق نظریه رانسی + OOO + ANT
 بریکولاز روش‌شناسی: ترکیب نظریه زمینه‌ای + تحلیل گفتار انتقادی
 بریکولاز تفسیری: بریکولاز سیاسی: تحلیل چندلایه شبکه‌های پیچیده

اعتبارسنجی (Lincoln, 1985) باورپذیری بررسی اعضا تثلیث منابع (مصاحبه+اسناد+مشاهدات)	انتقال‌پذیری توصیف جزئیات کافی از زمینه و فرایند	اتکاپذیری مستندسازی دقیق مراحل تحقیق	تأییدپذیری حفظ زنجیره شواهد مسیر تصمیم‌گیری
---	--	--	---

اشباع نظری (Theoretical Saturation) | توافق بین‌کدگذاران: 80%
 (Charmaz, 2014; Krippendorff, 2018)

شکل ۲. فلوجارت روش‌شناسی

۵. یافته‌ها

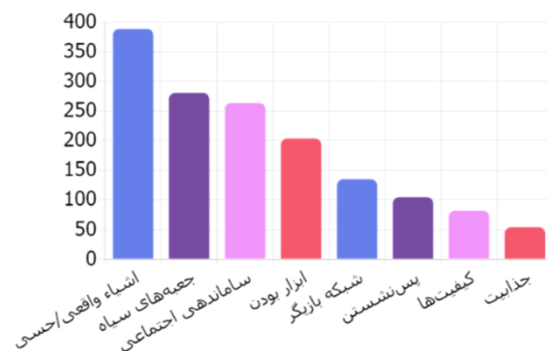
۱.۵. یافته‌های کدگذاری نظریه زمینه‌ای نظام‌مند

کدگذاری باز: شناسایی مفاهیم اولیه

کدگذاری باز روی ۱۲ مصاحبه به استخراج ۱۸۹۳ کد منجر شد که نشان‌دهنده غنای مفهومی شبکه‌های پیچیده کنشگران است. تحلیل کلی نشان داد ۸۰ درصد کدها (۱۵۱۴ کد) مربوط به مؤلفه‌های سرشت مکان (اثرپذیر)، ۸/۵ درصد کدها (۱۶۰ کد) به مؤلفه‌های اقتصاد رانتهی (اثرگذار)، و ۵/۸ درصد کدها (۱۱۰ کد) به مؤلفه‌های فرم مصنوع (میانجی) است. این توزیع نشان می‌دهد تجربه زیسته مکان در گفتمان مشارکت‌کنندگان مرکزیت دارد، در حالی که ساختارهای اقتصادی و واسطه‌های کالبدی نقش ضمنی‌تری ایفا می‌کنند.

معیار تمایز کدها بر اساس ANT و OOO

برای شفافیت تحلیل، کدها بر اساس دو معیار اصلی تفکیک شدند: **کدهای ANT**: کدهایی که به روابط، شبکه‌سازی، و ترجمه اشاره دارند مانند: «بازآرایی شبکه اجتماعی»، «جعبه‌های سیاه»، «ساماندهی اجتماعی مجدد». **کدهای OOO**: کدهایی که به استقلال، مقاومت ذاتی، و پس‌نشینی

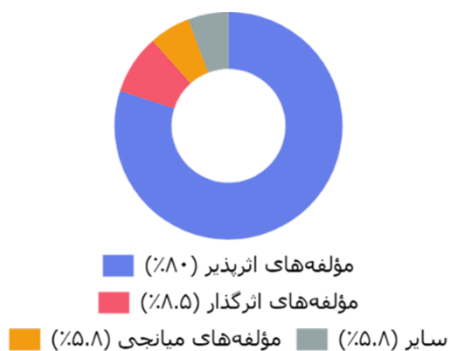


شکل ۳. مؤلفه‌های اثرپذیر

اشیا اشاره دارند؛ مانند «اشیای واقعی/احسی»، «پس‌نشستی»، «جذابیت».

تحلیل مؤلفه‌های اثرپذیر: آبه‌های فعال در شبکه (۱۵۱۴ کد)

بر اساس ANT و OOO، مؤلفه‌های سرشت مکان به عنوان کنشگران فعال در شبکه شناسایی شدند. مهم‌ترین مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: اشیای واقعی/احسی (۳۸۹ کد، ۲۰/۵ درصد): عناصر معماری و مواد ساختمانی با عاملیت مستقل که در تعامل فعال با شرایط محیطی قرار دارند. بر اساس OOO (این عناصر دارای «پس‌نشینی» از ادراک کامل انسانی هستند). جعبه‌های سیاه (۲۸۱ کد، ۱۴/۸ درصد): ساختارهای پنهان قدرت در شبکه‌های شهری که بر اساس ANT، از طریق فرایندهای «جعبه‌سازی» قابل آشکارسازی هستند. ساماندهی اجتماعی مجدد (۲۶۴ کد، ۱۳/۹ درصد): تشکیل مجموعه‌های هیبریدی انسان - غیرانسان و شبکه‌های جدید روابط از طریق فرایندهای «ترجمه». ابزار بودن (۲۰۴ کد، ۱۰/۸ درصد): نقش عناصر غیرانسانی به عنوان ابزار در تعاملات، نشان‌دهنده «علیت جانشین» هارمن در فضاهای شهری.



شکل ۴. توزیع کلی مؤلفه‌های تحقیق

اقتصادی فضا را تعیین می‌کند.

تحلیل مؤلفه‌های میانجی: فرم مصنوع (۱۱۰ کد)

فرم مصنوع در این رویکرد به عنوان «میانجی» فعال در معنای لاتوری عمل می‌کند. مهم‌ترین عناصر میانجی عبارت‌اند از: رویدادها (۳۵ کد)، ساختمان (۱۷ کد)، تراکم (۱۶ کد)، بلوک (۱۴ کد) و قطعه (۱۳ کد)، در حریم حرم، «طرح‌های جامع و تفصیلی» نقش میانجی کلیدی را ایفا می‌کنند، آن‌ها نه تنها ابزار برنامه‌ریزی، بلکه کنشگران فعالی هستند که منافع مختلف را «ترجمه» و «شبکه‌سازی» می‌کنند.

تحلیل توزیع کدها بر اساس منابع مصاحبه

تحلیل توزیع کدها در میان ۱۰ منبع اصلی مصاحبه (۱۸۷۳ کد تحلیل شده) نشان‌دهنده الگوهای معناداری است: - غلبه کدهای اثرپذیر: در تمام منابع، کدهای مربوط به سرشت مکان (۱۶۶۴ کد، ۸۸/۸ درصد از کل) بیشترین فراوانی را دارند. - تنوع در کدهای اثرگذار: منابع P۳ (۵۶ کد) و P۶ (۲۴ کد) و P۱ (۲۴ کد) بیشترین تنوع در مؤلفه‌های اقتصاد رانتهی را نشان می‌دهند.

این توزیع نشان می‌دهد در حریم حرم رضوی، فرایندهای «پس‌نشینی» و «جعبه‌سیاه» شدن به طور هم‌زمان رخ می‌دهند، عناصر تاریخی - مذهبی مقاومت ذاتی خود را حفظ می‌کنند که به OOO اشاره دارد، اما در عین حال در شبکه‌های قدرت پنهان می‌شوند که به ANT اشاره می‌کند.

تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار: کنشگران مؤثر (۱۶۰ کد)

مؤلفه‌های اثرگذار شامل نیروهای محرک اقتصاد رانتهی هستند: - سود و منفعت (۹۴ کد): شبکه‌های اقتصادی که عاملیت فراتر از کنترل انسانی دارند را می‌توان به عنوان «ابر اشیا» (Hyperobjects) مورد نظر مورتون (Timothy Morton) در نظر گرفت.

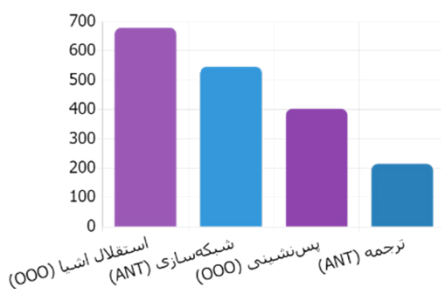
- انحصار شبکه رانتهی (۴۶ کد): تشکیل شبکه‌های قدرت با مشارکت عناصر غیرانسانی بر اساس «سیاست طبیعت» (Politics of Nature) لاتور (Bruno Latour) شکل می‌گیرد.

- مالکیت منابع (۲۰ کد): زمین و املاک به عنوان کنشگران دارای عاملیت است که در بافت حریم حرم رضوی، به عنوان منبع اصلی «رانت انحصاری» (Monopoly rent) مورد نظر هاروی (David Harvey) عمل می‌کند که از طریق شبکه‌های قدرت، ارزش

تلفیق دو چهارچوب نظری ANT و OOO برای درک عاملیت شبکه‌ی سطح در تحول سرشت مکان بود.

مرحله اول: طبقه‌بندی نظری (بریکولاژ نظری) کدها بر اساس ANT و OOO

از ۱۸۹۳ کد نهایی، تحلیل بر اساس چهار محور نظری صورت گرفت که نتایج نشان داد ۵۸/۷ درصد کدها مرتبط با مفاهیم OOO «استقلال اشیا و پس‌نشینی» و ۴۲/۳ درصد کدها مرتبط با مفاهیم ANT «شبکه‌سازی و ترجمه» هستند.



شکل ۵. طبقه‌بندی نظری کدها

ضعف کدهای میانجی: مؤلفه‌های فرم مصنوع (۶۸ کد، ۳/۶ درصد از کل) کمترین فراوانی را در میان همه منابع دارند، با تمرکز عمده در منابع P۳ (۲۸ کد) و P۶ (۱۸ کد).

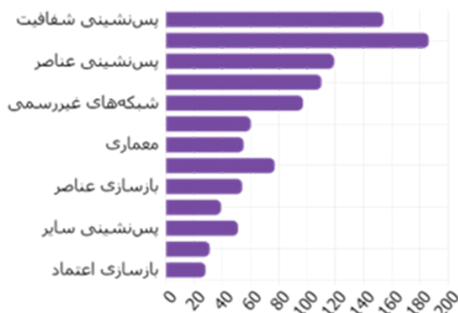
این توزیع نامتوازن نشان‌دهنده تمرکز گفتمان مشارکت‌کنندگان بر تجربه زیسته مکان (کدهای اثرپذیر) نسبت به ساختارهای اقتصادی (کدهای اثرگذار) و واسطه‌های کالبدی (کدهای میانجی) است.

کدگذاری محوری

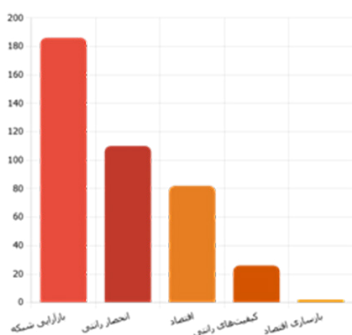
کدگذاری محوری در سه مرحله کلیدی انجام شد که هدف آن،

مرحله دوم: استخراج خرده‌مقولات
از ۸۹۳۱ کد، ۱۸۳۱ کد مرتبط در ۲۴ خرده‌مقوله سازماندهی شدند (۹۶/۷ درصد پوشش). خرده‌مقولات در سه گروه اصلی دسته‌بندی شدند: الف) خرده‌مقولات اثرگذار: نیروهای محرکه اقتصاد رانتهی (۴۰۶ کد، ۲۱/۴ درصد)، ب) خرده‌مقولات میانجی: واسطه‌های تکنولوژیک - سازمانی (۶۳۸ کد، ۳۳/۷ درصد)، ج) خرده‌مقولات اثرپذیر: تحولات بنیادین سرشت مکان (۷۹۵ کد، ۴۲ درصد)

این توزیع نشان می‌دهد در گفتمان مشارکت‌کنندگان، «مقاومت ذاتی» و «استقلال عناصر مکانی» OOO بیشتر از روابط شبکه‌ای ANT مورد توجه قرار گرفته است. این یافته حاکی از آن است که ساکنان و متخصصان، فضای حریم حرم را بیشتر به عنوان مجموعه‌ای از «اشیای مقاوم» تا «شبکه‌ای از روابط قابل‌تغییر» درک می‌کنند.



شکل ۶. خرده‌مقولات اثرپذیر



شکل ۸. خرده‌مقولات اثرگذار



شکل ۷. خرده‌مقولات میانجی

بخش میانجی (۳۳/۷ درصد کدها) نشان می‌دهد در حریم حرم، ابزارها و مکانیسم‌های مصنوعی نقش تعیین‌کننده‌ای در واسطه‌گری میان نیروهای اقتصادی و تحولات مکانی دارند. این یافته با نظریه لاتور درباره «میانجی‌های فعال» (Mediators) همخوانی دارد که به خلاف «واسطه‌های منفعل» (Intermediaries)، در اینجا

«میانجی‌های فعال» معنا را دگرگون می‌کنند.

مرحله سوم: شناسایی شبکه کنشگران

بر اساس شکل ۹ کنشگران به تفکیک نوع عاملیت و فراوانی جمعی (۱۰) کنشگر برتر ارائه شده است:



شکل ۹. کنشگران برتر

(حضور در بیش از ۸۰ درصد مصاحبه‌ها) شامل: «طرح‌ها - پروژه‌ها»، «مردم - ساکنان»، «شهرداری و حرم - زیارت» هستند که ساختار مداوم قدرت را تشکیل می‌دهند، در حالی که کنشگران متمایزکننده مانند: «ساختار تیول‌داری» و «پیدم‌ی قانون‌گریزی» مکانیسم‌های عمیق‌تر تولید رانت را آشکار می‌کنند. تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد ۱۰ از ۱۲ مصاحبه بر اقتصاد رانتی مبتنی بر نزدیکی به حرم تأکید دارند، در حالی که گفتمان مقاوم (حفاظت از بافت) تنها در دو مصاحبه به صورت منسجم مطرح می‌شوند و گفتمان‌های حاشیه‌ای نقد رادیکال سیستم ارائه می‌دهند.

مفهوم «پس‌نشینی» در هستی‌شناسی شیء‌گرا هارمن بر این اصل استوار است که هیچ شیء‌ای هرگز به طور کامل در روابط شبکه‌ای خود قابل دسترسی نیست و همیشه عمق واقعی‌ای از آن باقی می‌ماند که از تعاملات گریز دارد. این مفهوم در داده‌های تحقیق حاضر از طریق تفاوت‌های شدید فراوانی کنشگران مشابه در مصاحبه‌های مختلف نمایان می‌شود؛ مانند: کنشگر «پول» که از ۱۲ تکرار (ابزار مدیریت در یک مصاحبه) تا ۸۹ تکرار (عامل فساد در مصاحبه دیگر) متغیر است، یا پارادوکس «مردم - ساکنان» که علی‌رغم بالاترین حضور کمی (۴۲۱ تکرار) در موقعیت حاشیه‌ای قرار گرفته‌اند. این تضادها نشان می‌دهد واقعیت ذاتی هر کنشگر فراتر از آن چیزی است که تحلیل شبکه‌ای می‌تواند در بر گیرد، در نتیجه انتقادی اساسی بر نظریه شبکه - کنشگر لاتور وارد می‌کند که همه‌چیز را در روابط شبکه‌ای تعریف می‌کند.

آمار توصیفی و الگوهای کلی شبکه کنشگران: تحلیل جمعی ۴۰ کنشگر شناسایی شده از ۱۲ مصاحبه نشان می‌دهد کنشگران غیرانسانی با ۴۲/۵ درصد از کل، بر شبکه مسلط هستند، در حالی که کنشگران انسانی تنها ۳۰ درصد را تشکیل می‌دهند. میزان همپوشانی بالای ۷۰ درصد (۲۸ کنشگر مشترک) از منظر نظریه ساختاردهی (Structuration Theory) (Giddens, 1984) نشان‌دهنده ساختارهای تثبیت‌شده است. هنگامی که کنشگران متنوع (مدیران، ساکنان، متخصصان) به طور مکرر و مستمر با یک مجموعه مشخص از کنشگران تعامل می‌کنند و آن‌ها را در گفتمان بازتولید می‌کنند، این کنشگران بخشی از ساختار اجتماعی - مادی پایدار می‌شوند که بیانگر ساختار نسبتاً پایدار قدرت (institutionalization) است، اما ۳۰ درصد کنشگران منحصربه‌فرد حاکی از تنوع محلی تجربه‌هاست.

رتبه‌بندی ۱۰ کنشگر برتر در شکل ۹ پارادوکس عمیقی را آشکار می‌کند: مردم/ساکنان با ۴۲۱ تکرار بالاترین حضور کمی را دارند، اما به علت تأثیرپذیر بودن از شرایط در موقعیت «حاشیه‌ای» قرار گرفته‌اند، در حالی که «طرح‌ها - پروژه‌ها» (۴۲۰ تکرار) و کنشگران اقتصادی مانند «زمین - املاک» (۳۵۲ تکرار) و «پول - سرمایه» (۳۳۰ تکرار) در مرکز شبکه قدرت جای گرفته‌اند.

تحلیل نظری و گفتمانی شبکه کنشگران: از منظر نظریه شبکه - کنشگر، شبکه‌ای نامتقارن و سلسله‌مراتبی تشکیل شده که ترجمه اولیه «خدمت به زائر» تحت سلطه منطق انباشت سرمایه قرار گرفته و حول محور رانت سازماندهی شده است. کنشگران محوری

جدول ۳. تحلیل کلی شبکه کنشگران

کنشگر	الگوی مشترک	تفاوت‌های کلیدی	نتیجه‌گیری تجمیعی
پول/سرمایه	قدرت محوری در تمام شبکه‌ها؛ عامل اصلی تولید رانت	P1&P7: رانتی و مخرب P4: ابزار مدیریت شفاف	کنشگر هژمونیک که قادر است منطق تمام کنشگران دیگر را تحت تأثیر قرار دهد
زمین/املاک	محوریت در تولید ارزش افزوده؛ کانون تضادها	P9: پایگاه هویت P2: کالای تجاری	کنشگر دوگانه که هم منبع قدرت و هم کانون مقاومت است
طرح‌ها/پروژه‌ها	ابزار کنترل فضا؛ مکانیسم ترجمه منافع	P8: ضرورت فنی P6: ابزار انباشت سرمایه	کنشگر میانجی بین گفتمان‌های متضاد که بسته به شبکه معنا می‌یابد
مردم/ساکنان	بیشترین فراوانی، اما کمترین قدرت شبکه‌ای	P4: شرکای فعال P1: قربانیان منفعل	کنشگر حاشیه‌ای که علی‌رغم حضور کمی، از فرایند تصمیم‌گیری حذف شده‌اند
شهرداری/مدیران	نقش کلیدی در اجرای سیاست؛ واسط قدرت	P7: فاقد ظرفیت P4: دارای برنامه منسجم	کنشگر اجرایی که بین فشارهای بالادستی و پایین‌دستی محصور است
آستان قدس رضوی	قدرت ترکیبی دینی - اقتصادی؛ مشروعیت‌بخش	P6: کنشگر مستقل P5: تابع منافع رانتی	کنشگر پیچیده که دین و اقتصاد را در هم می‌آمیزد
بافت تاریخی/دینی	مقاومت ذاتی در برابر تغییر؛ حافظ هویت	P8: مانع توسعه P2: گنجینه فرهنگی	کنشگر مقاوم که نمایانگر تنش میان سنت و مدرنیته است
حرم/زیارت	منبع اصلی مشروعیت؛ مولد ارزش	P10: فرصت برندسازی P9: مرکز معنوی	کنشگر دوگانه که منبع قدسی و ابزار سودآوری است
قوانین/مقررات	ابزار کنترل اما قابل انعطاف؛ میانجی تنش‌ها	P1: نقض سیستماتیک P4: ابزار عدالت	کنشگر ابزاری که معنایش بسته به شبکه قدرت تعیین می‌شود
نهادهای خاص	قدرت اقتصادی - سیاسی بالا؛ تولیدکننده رانت	P6: انحصارطلب P4: قابل کنترل	کنشگران هژمونیک که شبکه‌های قدرت را سازماندهی می‌کنند

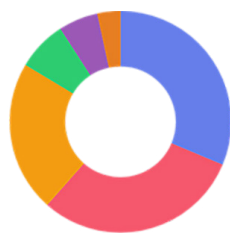
مرحله چهارم: تعیین ابعاد مقوله محوری

پيامد، «بازسازی محدود» (۵/۷۷ درصد کدها) و «مقاومت حاشیه‌ای» (۷/۲۹ درصد کدها) به عنوان راهبردی و «تفسیر رانتی» (۳/۳۷ درصد کدها) به عنوان تعدیل‌کننده شناسایی شدند. - شناسایی ابعاد مقوله محوری: این فرایند به شناسایی شش بُعد اصلی منجر شد که در مجموع ۱۸۳۹ کد را پوشش می‌دهند (۱۰۰ درصد داده‌ها، بدون اشتراک کدها بین ابعاد). این ابعاد قابلیت تبیین جامع مقوله محوری «ابزاری‌سازی شبکه‌ای فضا برای حذف مقاومت‌ها» را فراهم می‌کنند، که با مرکزیت بالا، تکرار (۳۱/۳۲ درصد کدها)، و قدرت تبیینی بسیار بالا بیش از (۸۰ درصد)، پدیده «تأثیر اقتصاد رانتی بر سرشت مکان» را توضیح می‌دهد. مقوله محوری از طریق ابزارها و مکانیسم‌های مصنوعی، روابط قدرت را بازتولید کرده و مقاومت‌های مکانی را حذف یا محدود می‌کند. در ادامه، جدول ۴ و شکل ۱۰ ابعاد و ضریب اهمیت مقوله محوری را ارائه می‌کند.

در این پژوهش، تعیین ابعاد مقوله محوری بر اساس روش «تحلیل ابعادی کدگذاری انتخابی» اشتراوس و کوربین انجام شد (Strauss & Corbin, 1998). فرایند شامل سه مرحله کلیدی بود: - گروه‌بندی خرده‌مقولات: خرده‌مقولات بر اساس خصوصیات مشترک (مضمون، کارکرد)، قدرت ارتباطی، سازگاری با نظریه‌های عاملیت شبکه‌ای (ANT) و هستی‌شناسی شیء‌گرا (OOO) گروه‌بندی شدند. برای مثال، بُعد «ابزاری‌سازی شبکه‌ای» از ترکیب خرده مقولات ابزار (۲۱۹ کد)، خودمختاری اشیا و مکانیسم‌ها (۱۹۳ کد)، شکل‌گیری شبکه رویدادها و طرح (۱۰۱ کد)، پروژه‌ها و ساختارها (۴۸ کد) و فرهنگ‌سازی (۱۵ کد) با مجموع (۵۷۶ کد) تشکیل شد. - تحلیل روابط علی و پیامدی: نقش هر بعد در چرخه کلی پدیده تعیین شد، بُعد «شرایط ساختاری» (۲۲/۰۸ درصد کدها) به عنوان عامل علی، «ابزاری‌سازی شبکه‌ای» (۳۱/۳۲ درصد کدها) به عنوان میانجی، «حذف سیستماتیک» (۳۰/۱۸ درصد کدها) به عنوان

جدول ۴. ابعاد مقوله محوری

بُعد	نام بُعد	خرده مقولات ترکیبی	تعداد کد	درصد از کل	توضیح عملکرد	نقش در پدیده
۱	ابزارسازی شبکه‌ای	ابزار، خودمختاری اشیا و مکانیسم‌ها، شکل‌گیری شبکه رویدادها و طرح، پروژه‌ها و ساختارها، فرهنگ‌سازی	۵۷۶	۳۰/۴۲ درصد	تبدیل فضا به شبکه‌ی ابزاری کارکردی از طریق ابزارها و مکانیسم‌های مصنوعی برای بازتولید روابط قدرت	میانجی
۲	حذف سیستماتیک	پس‌نشینی شفافیت، پس‌نشینی عناصر شهری، پس‌نشینی هویت تاریخی، زیارت و عناصر معنوی، معماری و بناها، پس‌نشینی سایر عناصر، پس‌نشینی حقوق	۵۵۵	۲۹/۳۱ درصد	حذف منظم عناصر مقاوم و اصیل مکانی (هویت، شفافیت، حقوق) برای تسهیل سلطه‌رانتی	پیامدی
۳	بازسازی محدود	بازسازی عناصر مختلف، بازسازی اعتماد و گفت‌وگو، بازسازی شبکه‌ها	۱۰۶	۵/۵۹ درصد	بازسازی تحت کنترل و هدایت‌شده هویت و روابط اجتماعی مکانی	راهدردی
۴	شرایط ساختاری	بازآرایی شبکه اجتماعی، انحصار شبکه‌رانتی، اقتصاد، کیفیت‌های رانتی، بازسازی اقتصاد	۴۰۶	۲۱/۴۴ درصد	زمینه‌سازی و تداوم فرایندهای اقتصادی و اجتماعی برای تثبیت نظام رانتی	علی
۵	مقاومت حاشیه‌ای	شبکه‌های غیررسمی، همکاری محلی، شبکه زیارت	۱۳۴	۷/۰۷ درصد	مقاومت‌های محدود و کنترل‌شده در برابر تحولات رانتی مکان	راهدردی
۶	تفسیر رانتی	بازتعریف و ترجمه مفاهیم	۶۲	۳/۲۷ درصد	تفسیر مجدد مفاهیم مکانی در جهت منافع رانتی و بازتعریف واقعیت	تعدیل‌کننده
		جمع کل	۱۸۳۹	۹۷/۱۵ درصد از کل ۱۸۹۳ کد ۲۴ خرده مقوله		



ابزارسازی شبکه‌ای (۳۱.۳٪)
 حذف سیستماتیک (۲۰.۲٪)
 مقاومت حاشیه‌ای (۷.۲٪)
 شرایط ساختاری (۲۲.۱٪)
 تفسیر رانتی (۳.۴٪)
 بازسازی محدود (۵.۸٪)

شکل ۱۰. ابعاد مقوله محوری

مرحله پنجم: توسعه مدل پارادایمی

بر اساس یافته‌های مراحل پیشین کدگذاری محوری، مدل پارادایمی برای تبیین مقوله محوری «ابزارسازی شبکه‌ای» تدوین شد. این مدل از تحلیل شش بُعد اصلی شناسایی شده در مرحله چهارم استخراج شده است و روابط علی میان آن‌ها را بر اساس نقش‌های تعیین‌شده نشان می‌دهد. بر اساس جدول ۵ مدل پارادایمی به شرح زیر تدوین شد.

جدول ۵. عناصر مدل پارادایمی

عناصر پارادایمی	خرده مقولات تشکیل‌دهنده	تعداد کد	درصد از کل	نقش در مدل
شرایط شبکه‌ای	بازآرایی شبکه اجتماعی (۱۸۶ کد) انحصار شبکه‌رانتی (۱۱۰ کد) اقتصاد (۸۲ کد) کیفیت‌های رانتی (۲۶ کد) بازسازی اقتصاد (۲ کد)	۴۰۶	۲۲/۰۷ درصد	محرك اصلی
پدیده محوری	ابزار (۲۱۹ کد) خودمختاری اشیا و مکانیسم‌ها (۱۹۳ کد) شکل‌گیری شبکه رویدادها و طرح (۱۰۱ کد) پروژه‌ها و ساختارها (۴۸ کد) فرهنگ‌سازی (۱۵ کد)	۵۷۶	۳۱/۳۲ درصد	واسطه/میانجی
شرایط زمینه‌ای	زیارت و عناصر معنوی (۶۰ کد) معماری و بناها (۵۵ کد)	۱۱۵	۶/۲۵ درصد	زمینه‌مذهبی - کالبدی

۷۵

رمضان نژاد ج.

مرداد ۱۴۰۵

دوره ۷، شماره ۵

برنامه‌ریزی شهری و اقتصاد

JUEP.net

عصر پارادایمی	خرده‌مقولات تشکیل‌دهنده	تعداد کد	درصد از کل	نقش در مدل
شرایط واسطه	بازتعریف و ترجمه مفاهیم (۶۲ کد)	۶۲	۳/۳۷ درصد	تعدیل‌کننده
راهبردها	بازسازی عناصر مختلف (۵۴ کد) بازسازی اعتماد و گفت‌وگو (۲۸ کد) بازسازی شبکه‌ها (۲۴ کد) شبکه‌های غیررسمی (۹۷ کد) همکاری محلی (۳۱ کد) شبکه زیارت (۶ کد)	۲۴۰	۱۲/۰۵ درصد	پاسخ‌های کنشی
پیامدها	پس‌نشینی شفافیت (۱۵۴ کد) پس‌نشینی عناصر شهری (۱۱۹ کد) پس‌نشینی هویت تاریخی (۷۷ کد) پس‌نشینی حقوق (۳۹ کد) پس‌نشینی سایر عناصر (۵۱ کد)	۴۴۰	۲۲/۹۲ درصد	نتیجه نهایی
مجموع	۲۲ خرده‌مقوله	۱۸۳۹	۱۰۰ درصد	پوشش کامل بدون تکرار

روابط شبکه‌ای مدل: شرایط ساختاری ← ابزاری‌سازی شبکه‌ای ← حذف سیستماتیک

با واسطه‌گری تفسیر رانتهی و در زمینه عناصر معماری - مذهبی، در حالی که راهبردهای مقابله‌ای تأثیر محدودی دارند.

$$۹۷/۱۴ \text{ درصد} = \text{شاخص تراکم} = (۱۸۳۹ \div ۱۸۹۳) \times ۱۰۰: \text{قدرت تبیین‌گری مدل}$$

(۱۹/۸ درصد) را تشکیل می‌دهد.

انتخاب پدیده محوری

بر اساس مرکزیت و قدرت تبیینی در داده‌ها، ابزاری‌سازی شبکه‌ای با ۵۷۶ کد (۳۱/۳ درصد) به عنوان پدیده محوری انتخاب شد. این فرایند نشان می‌دهد چگونه فضای شهری به ابزاری برای تولید رانت تبدیل می‌شود.

مدل پارادایمی

مدل پارادایمی اشتراوس - کوربین بر اساس شش عنصر کلیدی ساختاربندهی شد:

- شرایط علی (۴۰۶ کد): نیروهای محرک اقتصاد رانتهی
- پدیده محوری (۵۷۶ کد): ابزاری‌سازی شبکه‌ای فضا
- شرایط زمینه‌ای (۱۱۵ کد): بستر مذهبی - کالبدی
- شرایط واسطه (۶۲ کد): تفسیر رانتهی مفاهیم
- راهبردها (۲۴۰ کد): مقاومت‌ها و بازسازی محدود
- پیامدها (۴۴۰ کد): حذف سیستماتیک عناصر مقاوم

این توزیع نشان می‌دهد نیروهای ابزاری‌سازی بر مقاومت‌های محلی غلبه دارند. در حریم حرم، علی‌رغم تلاش‌های محدود ساکنان و فعالان میراث‌فرهنگی، فرایند ابزاری‌سازی به دلیل قدرت شبکه‌های اقتصادی و حمایت نهادی ادامه دارد.

نظریه نهایی

ابزاری‌سازی شبکه‌ای فضای شهری - مذهبی در رویکرد سیستماتیک در بستر جغرافیای استراتژیک مشهد، شبکه کنشگران اقتصادی شامل پول - سرمایه، زمین - املاک و شبکه‌های انحصاری رانتهی، فرایند تولید فضای رانتهی را آغاز می‌کنند. این محرک‌های اولیه از طریق واسطه‌گری عناصر مادی و ساختاری شامل طرح‌ها - پروژه‌ها، تغییر مقیاس قطعات و تراکم ساختمانی، زمینه را برای تبدیل بنیادین سرشت مکان فراهم می‌سازند.

فرایند ابزاری‌سازی شبکه‌ای

فرایند ابزاری‌سازی شبکه‌ای از طریق سه مکانیسم سیستماتیک پیش می‌رود:

- اول:** حذف سیستماتیک عناصر مقاوم: در حریم حرم، این حذف از طریق پس‌نشینی چندلایه رخ می‌دهد:
- پس‌نشینی شفافیت (۱۵۴ کد): فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری‌های شهری، ابهام در تعریف حدود بافت، و پنهان‌سازی فرایندهای

نتیجه‌گیری: بر اساس مقوله محوری «ابزاری‌سازی شبکه‌ای فضا برای حذف مقاومت‌ها» مدل پارادایمی نشان می‌دهد در حریم حرم رضوی، شرایط ساختاری شامل بازارآیی شبکه اجتماعی (ورود سرمایه‌گذاران جدید)، انحصار شبکه رانتهی (تمرکز املاک در دست گروه‌های خاص) و ساختار اقتصاد رانتهی است. این شرایط از طریق ابزاری‌سازی شبکه‌ای (شامل طرح‌های شهری، پروژه‌های عمرانی، و مکانیسم‌های مالی) به حذف سیستماتیک عناصر مقاوم شفافیت (۱۵۴ کد)، تخریب عناصر شهری اصیل (۱۱۹ کد) و گسست هویت تاریخی (۷۷ کد) منجر می‌شود.

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی با هدف توسعه نظریه جامع با تلفیق تحلیل گفتمان حاصل از مراحل قبلی و تکنیک بریکولاژ تحلیل انجام شد. این مرحله بر اساس روش‌شناسی اشتراوس و کوربین چهار گام اصلی سازماندهی شد (Corbin & Strauss, 2014).

تشکیل بریکولاژ سه‌گانه

خرده‌مقولات ۲۴گانه بر اساس تحلیل محتوای مفهومی و با تفسیر محققان در سه حوزه طبیعی طبقه‌بندی شدند (Kincheloe, 2001, 2005).

- بریکولاژ سیاسی، شامل خرده‌مقولاتی که به ساختارهای قدرت، کنترل اقتصادی و ابزارهای سلطه به شرح: بازارآیی شبکه اجتماعی، انحصار شبکه رانتهی، اقتصاد، ابزار، خودمختاری اشیا و مکانیسم‌ها، شکل‌گیری شبکه رویدادها و طرح، کیفیت‌های رانتهی و بازسازی اقتصاد مربوط می‌شوند. این بخش ۹۱۹ کد (۵۰ درصد) را تشکیل می‌دهد.

- بریکولاژ روایی، خرده‌مقولاتی که تجربه زیسته و فرایندهای پس‌نشینی را شامل: پس‌نشینی شفافیت، پس‌نشینی عناصر شهری، پس‌نشینی هویت تاریخی، زیارت و عناصر معنوی، معماری و بناها، پس‌نشینی سایر عناصر و پس‌نشینی حقوق، بازتاب می‌دهند. این بخش ۵۵۵ کد (۳۰/۲ درصد) را شامل می‌شود.

- بریکولاژ تفسیری شامل خرده‌مقولاتی است که فرایندهای معناسازی و واکنش‌های تفسیری را در بر می‌گیرند؛ شبکه‌های غیررسمی، بازتعریف و ترجمه مفاهیم، بازسازی عناصر مختلف، پروژه‌ها و ساختارها، همکاری محلی، بازسازی اعتماد و گفت‌وگو، بازسازی شبکه‌ها، فرهنگ‌سازی و شبکه زیارت، این بخش ۳۶۵ کد

- پس‌نشینی عناصر شهری مقاوم (۱۱۹ کد): تخریب عناصر اصلی معماری، جایگزینی بناهای تاریخی با ساختمان‌های تجاری و اقامتی
- پس‌نشینی هویت تاریخی (۷۷ کد): گسست با گذشته، از دست رفتن پیوستگی تاریخی محله‌ها

دوم: ابزاری‌سازی فضا: فضای حریم از مکان زیسته به ابزار تولید رانت از طریق موارد زیر تبدیل می‌شود:

- خودمختاری ایشیا و مکانیسم‌ها (۱۹۳ کد): مکانیسم‌هایی که پس از تصویب مستقل از اراده انسانی عمل می‌کنند، مانند: قوانین تراکم، ضوابط ساختمانی، و نظام قیمت‌گذاری املاک
- ابزار (۲۱۹ کد): ابزارهای فنی و سازمانی که فرایند رانت را مدیریت می‌کنند، مانند: کمیسیون ماده ۵، اوراق مشارکت، و طرح‌های تفصیلی

سوم: نقش کنشگران غیرانسانی: بر اساس ANT و OOO، در این فرایند ایشیا و عناصر مادی نقش فعال کنشگری ایفا می‌کنند، به عنوان مثال:

- زمین - املاک (۳۵۲ تکرار): نه فقط محل سرمایه‌گذاری، بلکه کنشگری است که با مقاومت ذاتی خود (بافت تاریخی، حریم حرم) و قابلیت تبدیل به کالا شدن، مسیر توسعه را تعیین می‌کند.
- طرح‌های شهری (۴۲۰ تکرار): نه فقط سند فنی، بلکه کنشگرانی هستند که منافع متضاد را ترجمه و شبکه‌سازی می‌کنند تا ساختارهای قدرت را تثبیت کنند.

نتیجه

تبدیل سرشت مکان از فضای زیسته معنادار به کالای رانتی از طریق شبکه‌های سیستماتیک در حریم حرم رضوی، این تحول از طریق - افزایش قیمت زمین با تغییر مقیاس قطعات، ایجاد خیابان‌های غیرضروری برای ایجاد بدنه تجاری - اقامتی و تغییر رویدادها بر اساس میزان هم‌جواری به حرم مطهر

- تخریب بافت مسکونی سنتی، جابه‌جایی اجباری ساکنان و جایگزینی بافت مسکونی با مجتمع‌های تجاری - مذهبی و رانتی - نهادی

- تغییر در تجربه معنوی زائران و ساکنان از فضای معنوی به فضای تجاری

محدودیت‌ها: این تحلیل فقط در چهارچوب پارادایم شبکه‌ای با هستی‌شناسی مسطح ANT و OOO انجام شده و بر نقش فعال شبکه ایشیا، ساختارها و عناصر مادی تأکید دارد. در این رویکرد، تحولات مکانی نتیجه عاملیت توزیع‌شده در شبکه‌ای از کنشگران است که غیرانسان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

۲.۵. تحلیل اسناد بر اساس چهارچوب سه‌سطحی فرکلاف

تحلیل گفتمان انتقادی اسناد رسمی (طرح‌های جامع و تفصیلی، گزارش‌های شهری، مصوبات) بر اساس چهارچوب سه‌سطحی فرکلاف (۲۰۰۳، ۲۰۲۳) نشان داد در:

سطح متن: واژگان غالب شامل «توسعه»، «بهسازی»، «ارتقا» و «خدمات‌رسانی» است که فرایندهای «تخریب» و «جابه‌جایی» را بازنمایی مثبت می‌کنند، در حالی که کنشگران اصلی (سرمایه‌گذاران، نهادهای خاص) در جایگاه فاعل فعال و ساکنان محلی در موقعیت منفعل یا غایب قرار می‌گیرند. در اینجا می‌توان واژه «تخریب مقدس» (Sacred Destruction) را به عنوان نتیجه «رانت مقدس» معرفی کرد.

سطح تعاملی: گفتمان عمدتاً توسط نهادهای قدرت (شهرداری، آستان قدس، وزارت راه و شهرسازی) تولید و از کانال‌های رسمی، اداری منتشر می‌شود، و فرایندهای «ترجمه» به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که منافع اقتصادی و ایدئولوژیک را در قالب «خدمت به زائر» و «احترام به حرم» مشروع می‌سازد.

سطح زمینه‌ای: این گفتمان روابط قدرت نابرابر میان (سرمایه‌داران و ساکنان) را بازتولید می‌کند، ساختار ایدئولوژیک «توسعه‌گرایی اقتصادی» را پنهان می‌سازد و به نفع شبکه‌های رانتی و نهادهای انحصارگر عمل می‌کند. تحلیل مقایسه‌ای اسناد کلیدی نشان داد واژه «سرمایه‌گذاری» بیشتر از «حفاظت از بافت» ذکر شده است که این نابرابری زبانی بیانگر غلبه سیستماتیک گفتمان اقتصادی بر گفتمان میراثی است و با یافته‌های مصاحبه‌ها (غلبه بریکولاژ سیاسی با ۵۰ درصد) همخوانی کامل دارد.

۶. بحث

۱.۶. تفسیر یافته‌های اصلی

این پژوهش نشان داد در حریم حرم رضوی مشهد، اقتصاد رانتی از طریق مکانیسم ابزاری‌سازی شبکه‌ای، تأثیر سیستماتیک بر سرشت مکان می‌گذارد. تحلیل ۱۸۹۳ کد استخراج‌شده از ۱۲ مصاحبه عمیق آشکار ساخت که این فرایند از طریق شبکه‌های پیچیده کنشگران انسانی - غیرانسانی عمل می‌کند. شناسایی ۴۰ کنشگر متنوع شامل: عناصر اقتصادی (پول - سرمایه با ۳۳۰ کد، زمین - املاک با ۳۵۲ کد)، ساختاری (طرح‌ها - پروژه‌ها با ۴۲۰ کد، قوانین/مقررات) و مادی (معماری - فضا، بافت تاریخی) نشان داد عاملیت در این شبکه به شکل توزیع‌شده عمل می‌کند، اما تحت سلطه عناصر اقتصاد رانتی قرار دارد. یافته محوری پژوهش این است که ابزاری‌سازی شبکه‌ای با ۵۷۶ کد (۳۱/۳ درصد) مهم‌ترین مکانیسم تحول سرشت مکان است و شامل دو مرحله: حذف سیستماتیک عناصر مقاوم (۵۵۵ کد، ۳۰/۲ درصد) و جایگزینی با عناصر سازگار با منطق رانتی می‌شود.

این یافته‌ها از دو منبع مستقل: تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان (۱۸۹۳ کد از ۱۲ مصاحبه) و گفتمان رسمی اسناد استخراج شده و همگرایی آن‌ها اعتبار نتایج را تقویت می‌کند. غلبه بریکولاژ سیاسی در مصاحبه‌ها (۵۰ درصد) با غلبه واژگان اقتصادی در اسناد رسمی همسو است، جایگاه حاشیه‌ای ساکنان در شبکه کنشگران (۴۲۱ کد) اما قدرت پایین، با غیبت آن‌ها در اسناد منطبق است و مقوله «تفسیر رانتی» (۶۲ کد) با مشروع‌سازی منافع اقتصادی در قالب «خدمت به زائر» در متون رسمی همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد، غلبه کنشگران شبکه اقتصادی غیرانسانی با نظریه کنشگر - شبکه لاتور (Latour, 2005) همسو است که تأکید می‌کند عاملیت توزیع‌شده است و ایشیا نیز همچون انسان‌ها می‌توانند کنشگر باشند. تحلیل داده‌ها نشان داد کنشگران غیرانسانی (۱۷ کنشگر، ۴۲/۵ درصد) و شبه‌انسانی (۱۱ کنشگر، ۲۷/۵ درصد) در مجموع ۷۰ درصد شبکه را تشکیل می‌دهند که این یافته با تحلیل‌های فاریاس و بندر (۲۰۱۲) و مک‌فارلین (۲۰۱۱) درباره عاملیت توزیع‌شده در فضای شهری سازگار است، اما به خلاف انتظار تقارن و تعادل در (ANT) که لاتور بر آن تأکید دارد، نابرابری آشکاری در قدرت کنشگران مشاهده می‌شود، عناصر محرک تحول (۹۸۲ کد) به طور قابل توجهی بر عناصر واکنشی (۶۸۰ کد) غلبه دارند. این یافته با تحلیل مورتون (۲۰۱۳) درباره «ابر ایشیا»

اقتصادی سازگار است، زیرا نشان می‌دهد سیستم‌های رانتهی به عنوان شبکه‌های فراتر از کنترل محلی عمل می‌کنند و ظرفیت‌های مقاومت را محدود می‌سازند.

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد فرایندهای پس‌نشینی ایشیا مطابق نظریات هستی‌شناسی شیء‌محور (Harman, 2018) در قالب (عناصر مادی مقاوم) فعال هستند اما قدرت آن‌ها در مقابله با فرایندهای کالایی‌سازی محدود می‌ماند. تحلیل نشان داد اگرچه (۴۰۲ کد) مربوط به پس‌نشینی (عناصر مادی مقاوم) وجود دارد، اما این عناصر در برابر فشار (۵۷۶ کد) ابزاری‌سازی و (۴۰۶ کد) شرایط ساختار رانتهی، توان مقاومت کافی ندارند. این یافته با تحلیل کارهولم، درباره استقلال هستی‌شناختی ایشیا سازگار است (Kärholm, 2013, 2014) اما محدودیت این استقلال در شرایط سلطه اقتصادی را نشان می‌دهد.

برخلاف مطالعات بوستان و همکاران (۲۰۲۳) و جمشیدی و همکاران (۲۰۱۹) که تمرکز بر تجربه انسانی و مقاومت محلی در شهرهای مذهبی داشتند، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در بستر اقتصاد رانتهی، مقاومت محلی به تنهایی کافی نیست و مکانیسم‌های ساختاری عمیق‌تری در کار هستند. این مورد با یافته سعیدی‌فرد و همکاران (۲۰۲۰) و نجاتی (۱۴۰۲) درباره تأثیرات عمیق اقتصاد رانتهی بر سازمان فضایی شهرهای ایران سازگار است، اما این تحقیق مکانیسم خاص این تأثیر را از طریق شبکه‌های کنشگران ترکیبی انسانی - غیرانسانی همسطح روشن کرده است. در حالی که هاروی (۲۰۲۰) و کریستوفرز (۲۰۱۹ و ۲۰۲۰) بر ساختارهای کلان اقتصاد رانتهی تمرکز داشتند، این مطالعه نشان می‌دهد این ساختارها چگونه در سطح خرد شهری از طریق کنشگران مادی، انسانی و غیرانسانی عمل می‌کنند. بر این اساس می‌توان واژه «رانت مقدس» را به طبقه‌بندی‌های مورد نظر کریستوفرز و هاروی اضافه کرد.

یافته قابل توجه دیگر، طبقه‌بندی خرده‌مقولات در سه لایه بریکولاژ سیاسی (۵۰ درصد)، روایی (۳۰/۲ درصد) و تفسیری (۱۹/۸ درصد) است که نشان می‌دهد غلبه لایه سیاسی چگونه سایر لایه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این یافته با تحلیل ساییتو و ساساکی (۲۰۲۵) درباره سرمایه‌داری رانتهی به عنوان پیشرفته‌ترین و متناقض‌ترین شکل سرمایه‌داری معاصر همخوانی دارد که فضاهای عمومی را تخریب و همبستگی اجتماعی را تضعیف می‌کند. همچنین با تحلیل استندینگ (۲۰۲۱) سازگار است که تأکید می‌کند اقتصاد رانتهی ساختارهای فضایی شهرها و حکمرانی دموکراتیک را تضعیف می‌کند.

مشارکت اصلی این پژوهش در شناسایی مکانیسم‌های خاصی است که اقتصاد رانتهی از طریق آن‌ها سرشت مکان را دگرگون می‌کند که به شرح زیر است:

اول: نشان داده شد که سلطه سیستماتیک کنشگران اقتصادی غیرانسانی بر شبکه چگونه عمل می‌کند؛ پول - سرمایه، زمین - املاک و طرح‌ها - پروژه‌ها به عنوان محوری‌ترین کنشگران (در مجموع ۱۱۰۲ کد از ۱۸۹۳ کد) شبکه را شکل می‌دهند. این یافته پیش از این به صورت تجربی در مطالعات اقتصاد رانتهی که محققان بررسی کرده‌اند، نشان داده نشده بود.

دوم: محدودیت ظرفیت پس‌نشینی ایشیا با پس‌نشینی انتخابی (عناصر مادی مقاوم) در برابر فرایندهای رانتهی نشان داده شد. اگرچه نظریه هستی‌شناسی شیء‌گرا (OOO) بر استقلال ایشیا تأکید دارد، اما یافته‌ها آشکار می‌سازد که در شرایط سلطه اقتصادی، این استقلال محدود می‌شود.

سوم: در دوگانگی فرم مصنوع به عنوان میانجی و ابزار نشان داده شد که این رویکرد شبیه توسعه نظریه کارهولم (۲۰۱۳) است. او می‌گوید که نوع ساختمان یک قالب از پیش موجود یا یک برجسپ اجتماعی نیست، بلکه در جریان زندگی زورمره و با تعامل کنشگران مادی و غیر مادی ساخته می‌شود. فرم مصنوع به عنوان بستر منفعل بین اقتصاد رانتهی و سرشت مکان عمل نمی‌کند، بلکه کنشگر فعالی است که به طور متناقض در تولید رانت مشارکت دارد و در برابر آن مقاومت می‌کند (۲۱۹ کد مربوط به ابزار در مؤلفه‌های میانجی).

این یافته‌ها پیامدهای سیاستی مهمی دارد؛ سیاست‌گذاران نمی‌توانند فقط به تقویت مقاومت محلی یا حفاظت از بافت تاریخی بسنده کنند و باید ساختارهای اقتصادی عمیق‌تری که شبکه‌های کنشگران را شکل می‌دهند، مورد مداخله قرار دهند. بر اساس یافته‌ها، چهارچوب عملی پنج مرحله‌ای که در ادامه می‌آید پیشنهاد می‌شود: اول: نقشه‌برداری دقیق شبکه‌های قدرت برای شناسایی کنشگران غالب (پول، زمین، طرح‌ها) و تحلیل مکانیسم‌های سلطه آن‌ها. دوم: ایجاد مکانیسم‌های حفاظتی قانونی برای مقابله با حذف سیستماتیک عناصر مقاوم و تقویت موقعیت ساکنان محلی. سوم: تقویت استراتژیک عاملیت مقاوم با درک محدودیت قدرت آن‌ها و تمرکز بر شناسایی ظرفیت‌های پس‌نشینی انتخابی (عناصر مادی مقاوم). چهارم: افزایش مکانیسم‌های پنهان ابزاری‌سازی از طریق شفافیت فرایندها و استفاده از فناوری برای نظارت بر جریان‌های سرمایه. پنجم: پذیرش واقع‌بینانه غلبه نیروهای اقتصادی، با توجه به این نکته اساسی که برای هدایت آن به سوی کمترین آسیب به سرشت مکان و بیشترین منفعت محلی باید تلاش بیشتری صورت پذیرد.

این مطالعه محدود به یک مورد (حریم رضوی مشهد) است و تعمیم یافته‌ها به بافت‌های مشابه باید محتاطانه صورت پذیرد. تمرکز بر عاملیت شبکه‌های ممکن است جنبه‌هایی از کنش آگاهانه انسانی را کم‌اهمیت جلوه دهد، اگرچه هدف این بود که نقش کنشگران غیرانسانی نادیده گرفته شده برجسته شود. همچنین، طبقه‌بندی خرده‌مقولات مبتنی بر تفسیر محققان بوده است و نیاز به اعتبارسنجی مستقل در مطالعات آتی دارد. علاوه بر این، ماهیت کیفی پژوهش امکان سنجش دقیق کمی روابط قدرت را محدود کرده است.

پژوهش‌های آتی می‌توانند با مطالعات تطبیقی در شهرهای مذهبی مختلف (قم، نجف، کربلا، مکه، مدینه) میزان تعمیم‌پذیری یافته‌ها را بررسی کنند. ترکیب روش‌های تحلیل شبکه کمی (مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی) با تحلیل کیفی می‌تواند دقت بیشتری در فهم روابط قدرت فراهم آورد. بررسی تعامل میان عاملیت انسانی و شبکه‌ای در شرایط سلطه اقتصادی می‌تواند پارادایم‌های نظری را با هم پیوند دهد. توسعه ابزارهای کاربردی مانند سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی مبتنی بر (ANT) برای کاهش نابرابری قدرت در شبکه‌های کنشگر شهری می‌تواند شکاف میان نظریه و کنش را پر کند.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر اقتصاد سرمایه‌داری رانتهی بر سرشت مکان در حریم حرم رضوی مشهد پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این بود: «چگونه اقتصاد رانتهی از طریق میانجی‌گری فرم

مشارکت نویسندگان

جواد رمضان‌نژاد: طراح‌ی پژوهش و ایده‌پردازی تحقیق، گردآوری و تحلیل داده‌ها، نگارش اولیه مقاله. دکتر مهدی حمزه‌نژاد: راهنمایی علمی، نظارت بر روش‌شناسی، بازبینی و ویرایش نسخه نهایی. دکتر اصغر محمدمرادی: مشاوره علمی، بازبینی چهارچوب نظری، ویرایش نهایی مقاله.

تشکر و قدردانی

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری جواد رمضان‌نژاد با عنوان «بازاندیشی سرشت مکان در سایه اقتصاد سرمایه‌داری رانتی» است که با راهنمایی اساتید: دکتر اصغر محمدمرادی و دکتر مهدی حمزه‌نژاد در حال انجام است. نویسندگان از همکاری داوران محترم مجله به دلیل نظرات ارزشمندشان در ارتقای کیفیت این مقاله، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافع مالی یا غیرمالی در ارتباط با این پژوهش وجود ندارد.

یادداشت‌ها

^۱ عاملیت متقارن به معنای قائل شدن توان کنشگری برابر برای انسان‌ها و غیرانسان‌ها است.

منابع

- Ahmadmohammadpour. (2021). *Anti-method: Philosophical foundations and scientific procedures in qualitative methodology*. Log-os. [In Persian]
- Bostan, Z., Parsapajouh, S., & Yousofi, A. (2023). Reflection on the signs of commodification of the sacred (with emphasis on pilgrimage). *Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad*. <https://doi.org/10.22067/socialsciences.2023.xxxxx>
- Braidotti, R. (2019). A theoretical framework for the critical posthumanities. *Theory, Culture & Society*, 36(6), 31–61. <https://doi.org/10.1177/0263276419857154>
- Bryant, L. R., Srnicek, N., & Harman, G. (2011). *The speculative turn: Continental materialism and realism*. re. press.
- Burchardt, M., Martínez-Ariño, J., Griera, M., & Bramadat, P. (2023). Rite and stone: Religious belonging and urban space in global perspective. *Religion*, 53(2), 148–154. <https://doi.org/10.1177/00345237231159686>
- Callon, M. (1986). The sociology of an actor-network: The case of the electric vehicle. In M. Callon, J. Law, & A. Rip (Eds.), *Mapping the dynamics of science and technology* (pp. 19–34). Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-349-07408-2_2
- Carmona, M. (2019). Place value: Place quality and its impact on health, social, economic, and environmental outcomes. *Journal of Urban Design*, 24(1), 1–48. <https://doi.org/10.1080/13574809.2018.1472523>
- Christophers, B. (2019). The problem of rent. *Critical Historical Studies*, 6(2), 303–323. <https://doi.org/10.1086/705560>
- Christophers, B. (2020). *Rentier capitalism: Who owns the economy, and who pays for it?* Verso.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (4th ed.)*. SAGE.

مصنوع، سرشت مکان را دگرگون می‌کند و کنشگران غیرانسانی چه نقشی در این فرایند ایفا می‌کنند؟» این پرسش از شکاف مهمی برخاسته بوده؛ مطالعات پیشین تأثیرات اقتصاد رانتی را مستند کرده بودند، اما مکانیسم‌های خرد و نقش کنشگران غیرانسانی به طور سیستماتیک بررسی نشده بود.

برای پاسخ، از نظریه‌های ANT و OOO با تحلیل ۱۸۹۳ کد از ۱۲ مصاحبه عمیق استفاده شد. داده‌های تحقیق از دو منبع مستقل مصاحبه‌های عمیق (تحلیل شده با نظریه زمینه‌ای) و اسناد رسمی (تحلیل شده با تحلیل گفتمان انتقادی) گردآوری شد که همگرایی یافته‌های آن‌ها اعتبار متقابل را تأمین می‌کند. یافته‌های کلیدی نشان داد اقتصاد رانتی از طریق ابزاری‌سازی شبکه‌ای عمل می‌کند (۵۷۶ کد، ۳۱/۳ درصد). این یافته از دو منظر مستقل تأیید شد. در مصاحبه‌ها، بریکولاژ سیاسی با ۵۰ درصد غالب بود؛ در اسناد رسمی، «واژگان اقتصادی» بر «واژگان میراثی» مسلط بودند. این فرایند شامل حذف سیستماتیک عناصر مقاوم (۵۵۵ کد) و جایگزینی آن‌ها با عناصر سازگار با منطق رانتی است. کنشگران اقتصادی غیرانسانی شامل: پول - سرمایه، زمین - املاک و طرح‌ها - پروژه‌ها (در مجموع، ۱۱۰۲ کد) نقش تعیین‌کننده در این فرایند دارند. عناصر محرک تحول (۹۸۲ کد) بر عناصر واکنشی (۶۸۰ کد) غلبه دارند که سلطه مستقر اقتصاد رانتی را نشان می‌دهد. چهارچوب بریکولاژ سه‌گانه آشکار ساخت که بریکولاژ سیاسی (۵۰ درصد) غالب است و بریکولاژهای روایی (۳۰/۲ درصد) و تفسیری (۱۹/۸ درصد) در موقعیت ثانویه قرار دارند.

مشارکت اصلی این پژوهش در سه حوزه است. نخست: در حوزه آکادمیک، شکاف درک نقش کنشگران غیرانسانی در فرایندهای رانتی پر شد و نشان داده شد که چگونه کنشگران مادی در سطح خرد شبکه‌ها عمل می‌کنند. شناسایی مکانیسم ابزاری‌سازی شبکه‌ای، غلبه سیستماتیک کنشگران اقتصادی، محدودیت ظرفیت پس‌نشینی انتخابی اشیا (عناصر مادی مقاوم) و دوگانگی کنشگری فرم مصنوع یافته‌های جدیدی هستند که پیش از این مستند نشده بودند. دوم: در حوزه سیاستی، پنج توصیه ارائه شد؛ نقشه‌برداری شبکه‌های قدرت، تقویت حمایت‌های قانونی از عناصر مقاوم، مدیریت هدفمند تحول با پذیرش واقعیت غلبه اقتصادی، تمرکز منابع بر حیاتی‌ترین عناصر میراث و توسعه شبکه‌های اقتصاد محلی جایگزین. سوم: در حوزه روش‌شناختی، ترکیب ANT و OOO و چهارچوب بریکولاژ سه‌گانه به عنوان ابزار تحلیلی معرفی شد.

محدودیت‌های مطالعه شامل: تمرکز بر مورد واحد، تأکید بر عاملیت شبکه‌ای که ممکن است کنش آگاهانه انسانی را کم‌اهمیت جلوه دهد و ماهیت کیفی پژوهش است. با این حال، استفاده از دو منبع داده مستقل (مصاحبه و اسناد) و همگرایی یافته‌های آن‌ها، اعتبار نتایج را افزایش داده و امکان مثلث‌بندی را فراهم کرده است. پژوهش‌های آتی می‌توانند با مطالعات تطبیقی در شهرهای مذهبی دیگر به بررسی تعمیم‌پذیری یافته‌ها بپردازند، تحلیل شبکه کمی را با روش‌های کیفی ترکیب کنند، چهارچوب‌های تلفیقی پارادایمی برای درک جامع‌تر فرایندهای تحول توسعه دهند و ابزارهای عملی شامل فناوری‌های دیجیتال برای تحلیل بلادرنگ شبکه‌ها، سامانه‌های هشدار زود هنگام و شبکه منطقه‌ای تبادل تجربه بسازند. این مطالعه با ارائه درکی سیستماتیک از مکانیسم‌های خرد عملکرد اقتصاد رانتی در فضای شهری - مذهبی، بینش جدیدی ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای مطالعات آتی قرار گیرد.

- Dannreuther, C., & Langworthy, M. (2025). Rentier capitalism, social reproduction, and the limits of liberalism: Mapping gendered asset value in Kuwait. *New Political Economy*, 30(1), 100–113. <https://doi.org/10.1080/13563467.2023.2301638>
- Darbani, E. S., Rafieian, M., Parapari, D. M., & Guldman, J.-M. (2023). Urban design strategies for summer and winter outdoor thermal comfort in arid regions. *Sustainable Cities and Society*, 89, 104339. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2022.104339>
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2011). *The SAGE handbook of qualitative research (4th ed.)*. SAGE.
- Eric, T., Noel, D., & Harry, A. (2025). Capital without contribution: The rise of rentier economies in post-industrial capitalism.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing discourse: Textual analysis for social research*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203697078>
- Fairclough, N. (2023). Critical discourse analysis. In J. Flowerdew & J. E. Richardson (Eds.), *The Routledge handbook of discourse analysis* (pp. 11–22). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003199151>
- Fariás, I., & Bender, T. (2012). *Urban assemblages: How actor-network theory changes urban studies*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203870631>
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press.
- Ginn, F. (2022). Planetary vegetal thought. *Theory, Culture & Society*, 39(3–4), 85–106. <https://doi.org/10.1177/02632764221105576>
- Harman, G. (2018). *Object-oriented ontology: A new theory of everything*. Penguin.
- Harvey, D. (1974). Class-monopoly rent, finance capital, and the urban revolution. *Regional Studies*, 8(3–4), 239–255. <https://doi.org/10.1080/09595237400185251>
- Harvey, D. (2020). *The anti-capitalist chronicles*. Pluto Press.
- Hashem, I. A. T., Usmani, R. S. A., Almutairi, M. S., Ibrahim, A. O., Zakari, A., Alotaibi, F., Alhashmi, S. M., & Chiroma, H. (2023). Urban computing for sustainable smart cities. *Sustainability*, 15(5), 3916. <https://doi.org/10.3390/su15053916>
- Hinchliffe, S., Bingham, N., Allen, J., & Carter, S. (2016). *Pathological lives: Disease, space and biopolitics*. Wiley. <https://doi.org/10.1002/9781118644805>
- Jamshidi, B., Pour, B., & Kalantari. (2019). Explaining the effects of the political economy of religious tourism on the unbalanced distribution of tourism services in Mashhad. *Tourism Management Studies Quarterly*, 14(47), 221–260. <https://doi.org/10.22054/tms.2019.10919> [In Persian]
- Kärrholm, M. (2013). Building type production and everyday life. *Environment and Planning D: Society and Space*, 31(6), 1109–1124. <https://doi.org/10.1068/d8612>
- Kärrholm, M. (2014). Interobjectivity in architectural research and theory. *Journal of Architecture*, 19(1), 64–80. <https://doi.org/10.1080/13602365.2014.882376>
- Kincheloe, J. L. (2001). Describing the bricolage. *Qualitative Inquiry*, 7(6), 679–692. <https://doi.org/10.1177/107780040100700601>
- Kincheloe, J. L. (2005). On to the next level. *Qualitative Inquiry*, 11(3), 323–350. <https://doi.org/10.1177/1077800405275056>
- Krippendorff, K. (2018). *Content analysis: An introduction to its methodology (4th ed.)*. SAGE. <https://doi.org/10.4135/9781071878781>
- Kropf, K. (2014). Ambiguity in the definition of built form. *Urban morphology*, 18(1), 41–57. <https://doi.org/10.51347/jum.v18i1.3995>
- Latour, B. (1996). *Aramis, or the love of technology* (C. Porter, Trans.). Harvard University Press.
- Latour, B. (2005). *Reassembling the social: An introduction to actor-network theory*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780199256044.001.0001>
- Law, J. (2002). *Aircraft stories: Decentering the object in technoscience*. Duke University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv11smf7z>
- Lewicka, M. (2011). Place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 31(3), 207–230. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.10.001>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. SAGE.
- Maroufi, H., Baratzadeh, F., & Sabouri, A. (2025). Technologies of inclusion in the frontier of urban renewal. *Journal of Urban Affairs*, 47(1), 313–331. <https://doi.org/10.1080/07352166.2023.2188965>
- McFarlane, C. (2011a). Assemblage and critical urbanism. *City*, 15(2), 204–224. <https://doi.org/10.1080/13604813.2011.568715>
- McFarlane, C. (2011b). The city as an assemblage. *Environment and Planning D: Society and Space*, 29(4), 649–671. <https://doi.org/10.1068/d4710>
- Morton, T. (2013). *Realist magic: Objects, ontology, causality*. Open Humanities Press. <https://doi.org/10.3998/ohp.13106496.0001.001>
- Moshfeqi, V., Naeini, H., & Habibi. (2020). Investigating the relationship between land use changes and land prices in Tehran. *Geography and Environmental Planning*, 30(4), 1–18. <https://doi.org/10.22108/gep.2019.116324.1169> [In Persian]
- Mousavi Khorshidi, S. Z. (2023). Flat ontology. *Interdisciplinary Studies in the Humanities Quarterly*, 15(3), 5–37. <https://doi.org/10.22035/isih.2023.6526.5061> [In Persian]
- Najati, S. M., Panahi, S., Majidvali, D., & Daniali, T. (2023). Evaluating the effects of a rentier economy on marginalization. *Spatial Economics Organization*, 2(2), 14. <https://doi.org/10.30473/sses.2023.65732.1047> [In Persian]
- Norberg-Schulz, C. (2012). *Architecture, presence, language, place* (A. S. Ahmadian, Trans.). Memar Nashr Institute. [In Persian]
- Norberg-Schulz, C. (2021). *The concept of dwelling: Towards a figurative architecture* (M. A. Y. Ahmadi, Trans.). Agah Publishing. [In Persian]
- Relp, E. (2010). *Place and placelessness* (Z. M. K. M. M. Naghsan-Mohammadi, Trans.; A. Darvishzadeh, Ed.). Armanshahr. [In Persian]
- Ricardo, D. (1995). *Principles of political economy and taxation* (H. A. Teymouri, Trans.). Nashr-e Ney. [In Persian]
- Saeedifard, F., Bagheri, N., Shahed, S. H., Babai, A., Salmanzadeh, S., Jaafari, M., Sobhani, N., & Ghodsi, M. (2020). The effect of a rentier economy on urban space organization. *Technium Social Sciences Journal*, 12, 442–454. <https://doi.org/10.47577/tssj.v12i1.1570>
- Saito, K., & Sasaki, R. (2025). Rentier capitalism, technofascism, and the destruction of the common. *Area Development and Policy*, 1–15. <https://doi.org/10.1080/23792949.2024.2439849>
- Saldaña, J. (2021). *The coding manual for qualitative researchers (4th ed.)*. SAGE.
- Standing, G. (2021). *The corruption of capitalism*. Biteback.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research techniques*. SAGE. <https://doi.org/10.4135/9781452230153>
- Tarh-e Harim-e Razavi. (2020). *Special detailed plan for the area surrounding the Holy Shrine of Imam Reza (AS)*. University of Tehran. <https://harimrazavi.ir> [In Persian]
- Yin, R. K. (2018). *Case study research and applications: Design and methods (6th ed.)*. SAGE.

